

وظائف خانواده



محمد تقی صرفی پور



وظایف مادر نمونه نسبت به فرزندان

پدر و مادر وظایفی به عهده دارند. ابتدا وظایف مادر را ذکر می نمایم. اهم این مسئولیت بشرح زیر است:

1- انعقاد نطفه در وقتهایی که نیکو است.

2- هنگام آمیزش با طهارت بوده و مسائل سفارش
شده درباره آمیزش را رعایت نماید

«امام صادق علیه السلام: در خانه‌ای که طفلی
وجود دارد، با همسر خود مقاربت نکنید، که آن طفل
زناکار می‌شود و یا فرزندیکه بدنیامی‌آید، زناکار
می‌شود.»¹

3- در ایام بارداری بر رعایت طهارت و عبادت
مداومت نماید.

«شیخ مرتضی انصاری، یکی از فقها
و دانشمندان بزرگ شیعه است. وقتی پس از سالها
تحصیل و کوشش به مقام اجتهاد و زعامت
نائل آمد، مردم به مادر شیخ تبریک گفتند که
فرزندت به مقام اجتهاد و مرجعیت رسیده است.

آن مادر گفت: زحمتی که من در تربیت فرزندم کشیدم، اگر به مقام پیامبری هم می‌رسید، تعجب نمی‌کردم، چه رسد به مقام اجتهاد!

مردم از شنیدن این سخن تعجب کرده و گفتند: مگر در تربیت فرزندت چه کرده‌ای که دیگران نکرده‌اند؟

مادر شیخ پاسخ داد: بیان زحماتی که من در تربیت او کشیده‌ام، از حوصله شما بیرون است ولی به عنوان نمونه می‌گویم که هیچ گاه بدون طهارت و وضو پستان به دهانش نگذاشتم.

وقتی مادر شیخ رحلت کرد، دیدند که شیخ بر بالین مادر، زار زار می‌گریه. یکی از شاگردان در مقام دلجوئی گفت: جناب استاد! شما با این مقام علمی که دارید شایسته نیست بر بالین پیرزنی این گونه اشک بریزید!

شیخ در پاسخ او فرمود: شما هنوز به مقام والای
مادر پی نبرده‌اید! تربیت صحیح و زحمات فراوان
مادر بود که مرا به اینجا رسانید!»^۲

4- در ایام بارداری از دعوا و درگیری و جوش
و خروش پرهیزد.

روانشناسان گفته‌اند که آرامش مادر در
دوران بارداری به آرام بودن اعصاب فرزند کمک
شایان می‌کند و مادرانیکه در دوران
حاملگی درگیری فکری و آشوبهای ذهنی دارند
، فرزندانشان عصبانی و اهل خشونت و دعوا بدنی
می‌آورند.

5- در ایام بارداری و در دوران شیرخوارگی نوزاد، از لقمه حرام و از استعمال مواد مخدر و مشروبات الکلی دوری کند.

«زنی در حالیکه کودک فلج و ناقص و کوری در آغوش داشت، نزد رسول خدا آمد، و گفت: ای پیامبر خدا! مگر نمی‌گویید که خدا عادل است و به کسی ظلم نمی‌کند؟
فرمود: آری.

زن گفت: اما خدا به من ظلم کرده و چنین کودکی به من داده است!
پیامبر لحظه‌ای درنگ نمود و سپس فرمود: آیا شوهرت هنگام آمیزش با تو، شراب خورده بود؟
زن پاسخ داد: آری!

حضرت فرمود: پس جز خودت، کسی دیگر
را سرزنش نکن!»^۳

6- در ایام بارداری از معاشرت زیاد با مردم دوری
کند و بیشتر با شوهرش باشد.

ثابت شده است که اگر زن در دوران
بارداری بیشتر به شوهرش نگاه کند و با او
باشد، کودک شکل و شمایل پدرش را بخود
می گیرد.

7- بعد از تولد علاوه بر گفتن اذان و اقامه در
گوش کودک، و دادن عقیقه کودک، در هنگام
شیردادن به نوزاد حتی المقدور با طهارت باشد.

«وقتی به امام سجاده علیه السلام تولد
کودکی را بشارت می دادند. از پسر یا دختر بودنش

نمی پرسد. بلکه سؤال می کرد: آیا سالم است؟ اگر
می گفتند آری.

آنگاه می فرمود: الحمد لله الذی لم یخلق منی شیئا
مشوها: شکر خدایی را که از من فرزند معیوبی متولد
نمود.^۴

«امام ششم علیه السلام: عقیقه نوزاد بر
ثروت مند و فقیر واجب است و فقیر اگر
نتوانست، چنانچه بعدها برایش مقدور
شد، عقیقه کند.»^۵

«از امام ششم راجع به عقیقه سؤال
شد. فرمود: گوسفند یا گاو یا شتر برای او قربانی
کنند و بعد از عقیقه، بر کودک نام گذارند و روز هفتم

سر او را بتراشند و به وزن مویش، طلا یا نقره صدقه دهند و اگر پسر است حیوان نر و اگر دختر است، حیوان ماده قربانی کنند.»^۶

«امام ششم علیه السلام: هر کودکی در گرو عقیقه است. و عقیقه از قربانی واجب تر است.»^۷

«عمر بن بزید می گوید: در سن پیری بودم که به امام صادق علیه السلام عرض کردم که: بخدا سوگند! نمی دانم که وقتی متولد شدم، پدرم برایم عقیقه کرد یا خیر؟ امام فرمود: الان برو و برای خودت عقیقه کن! منم در سن پیری برای خود عقیقه نمودم.»^۸

«امام ششم علیه السلام: مادر از عقیقه فرزندش نخورد.»

^۶ همان

^۷ همان

^۸ همان

«یکی از بزرگان نقل می‌کند: چند روز قبل از شهادت «شیخ فضل الله نوری» در زندان با او ملاقات نمودم. به ایشان عرض کردم که پسر شما خیلی لالابالی است و بر ضدّ شما کار می‌کند.

شیخ شهید فرمود:

این موضوع را از قبل می‌دانستم. وافزود: این پسر در نجف بدنیا آمد و مادرش شیر نداشت. از این رو، مجبور شدیم که برای شیردان او زنی را پیدا کنیم. زنی پیدا شد و این کودک مدت زیادی از شیر آن زن تغذیه کرد. اما ناگهان فهمیدیم که آن زن بسیار لالابالی و بی عفت است و کینه‌علی‌علیه السلام را به دل دارد.

از همان وقت دریافتیم که سعادت‌مند شدن این
پسر، کاری بسیار مشکل است!^۹

8- در اسم گذاری فرزند از نامهایی که اسلام
سفارش کرده است استفاده نماید.

«رسول خدا(ص): کسیکه خداوند به او چهار
پسر بدهد و نام مرا بر یکی از آنها نگذارد، بر من ظلم
کرده است.»^{۱۰}

مسئول فرهنگی سفارت ایران در نروژ:

وقتی رهبر کمونیست نروژ مسلمان شد، بعد از
مدتی «آنا بریت» همسرایشان با من تماس گرفت
و گفت: می‌خواهم مسلمان شوم.

d-aseman.ir/fa/index.php/1390-11-24-13-16-57.html?start...
علمی.../اخلاق-عملی/57

9

iqna.ir/00E3Ti

10

من شگفت زده شدم و خدا را سپاس

گفتم. آنابریت گفت: من چادر می‌خواهم!

گفتم: پوشیده بودن کافی است. چرا چادر

می‌خواهی؟ (چرا که ترسیدم با جوی که در آن جا

علیه چادر بود توان تحمل این سختی‌ها رانداشته

باشد.)

اما او باز هم تأکید کرد:

می‌خواهم با لباس رزم زنان ایرانی که الگو

وسمبل من بوده‌اند شهادتین را بگویم.

به او گفتم: چه اسمی را انتخاب کرده‌اید؟

گفت: زینب.

گفتم چرا؟

گفت تحقیق کرده‌ام دیدم حضرت زینب -
سلام الله علیها- زن صبور، مقاوم و کاملی بوده
است.»^{۱۱}

9- کودکی را با خود به مساجد و مجالس سوگواری
امام حسین علیه السلام و دیگر مجالس مذهبی ببرد.

کودکانی که در زیارتگاهها و مراسم موالید
و عزاداری اهل بیت علیه السلام و مساجد حضور
می‌یابند، از برکات این مجالس مستفیض خواهند
شد و علاقه به اهل بیت علیه السلام در وجود آنها
ریشه پیدا می‌کند و گاه آثار مثبت مهمی در زندگی
آنها بجا می‌گذارد.

«حضرت زهرا(س) برای اینکه فرزندان در شبهای احیاء خوابشان نبرد، روز قبل آنها را می خواباندند و همچنین موقع احیاء اگر فرزندی خوابش می برد، آب به صورتش می زدند. تا از فیض شب قدر بی بهره نمانند.»^{۱۲}

(امام باقر علیه السلام بعد از نماز صبح نمی گذاشتند نوجوانان بخوابند بلکه اگر قرآن بلد بودند می فرمودند قرآن بخوانند و هر که بلد نبود می فرمودند ذکر بگویند. و این تا طلوع آفتاب ادامه داشت)^{۱۳}

همسر امام خمینی(ره) نقل می کند که امام از هفت سالگی در تربیت دینی دقت داشتند و می گفتند:

ganjineh.valiasr-aj.com/.../

... برترین 20% اعمال 20% در 20% شب 20% قدر 20% چه 20% عملی

12

¹³ خانواده نمونه

«بچه‌ها از هفت سالگی نماز بخوانند. بچه‌ها را وادار به نماز کن، تا وقتی نه ساله شدند، عادت کرده باشند»^{۱۴}

گاهی متأسفانه رفتار و برخوردهای دور از انتظار مؤمنان نسبت به کودکانی که با اشتیاق برای نماز جماعت به مسجد آمدند، موجب سرخوردگی و شاید انحراف کودک از مسیر دین و خواندن نماز شود. شخصی می‌گوید

در کوچکی همیشه سعی می‌کردم نماز خود را در مسجد بخوانم. روزی در حال نماز متوجه شدم پیرمردی مراقب من است. نمازم که به پایان رسید، پیرمرد به من گفت نمازت درست نیست و سپس با سخنان نیشدار خود مرا ملامت کرد. من غرق در سکوت بودم؛ هرگاه می‌خواستم از او پیرسم کجای نماز من اشتباه است، اجازه نمی‌داد و پیوسته می‌گفت نمازت درست نیست و امثال تو حق ندارند به مسجد بیایند. از آن به بعد تصمیم گرفتم دیگر

¹⁴ سیدروح‌الله خمینی، امام در سنگر نماز، دفتر 7، ص 104

به مسجد نروم و در منزل هم نماز نخوانم؛ این نخستین
قدم برای ترک کامل نماز و انحرافم از طریق اسلام
بود.^{۱۵}

فرزند امام نقل می کند:

وقتی خواهر کوچکم به سن تکلیف (9 سالگی) رسید،
امام فرمودند: امسال دیگر باید روزه بگیری! اتفاقاً، ماه
رمضان آن سال خیلی گرم بود. نداشتن کولر، کمبود آب
و ضعف جسمانی خواهرم، باعث شد که روزه اول ماه
مبارک را به سختی تحمل کند. این بود که شب، پس از
افطار گفت: من فردا دیگر نمی توانم روزه بگیرم. آقا
همان شب، ترتیب مسافرت او را به تهران دادند. یعنی
به مادرم که بچه کوچک هم داشتند، فرمودند: «بچه ها را
بردارید و مدتی را به تهران، منزل فلانی - یکی از
بستگان - باشید» بعدها به من گفتند: نخواستم در نظر او،
!قبیح روزه خواری از بین برود^{۱۶}

¹⁵ علی نقی فقیهی، *شیوه‌های ترغیب و جذب به نماز*، ص 81

¹⁶ محمدعلی کریمی نیا، *الگوهای تربیت اجتماعی*، ص 208

10- خود نماز بخواند و فرزندش را هم به نماز

سفارش کند.

از امام محمد باقر(ع) شنیدم که فرمود

وقتی کودک به سن سه سالگی رسید، از او بخواهید هفت بار «لا اله الا الله» بگوید. سپس او را به حال خود واگذارید تا به سن سه سال و هفت ماه و بیست روز برسد؛ در این هنگام به او آموزش دهید که هفت بار «محمد رسول الله» بگوید. سپس تا چهار سالگی او را آزاد بگذارید؛ آن گاه از وی بخواهید که هفت مرتبه «صلی الله علی محمد و آله» را تکرار نماید و سپس تا پنج سالگی او را رها کنید؛ در این وقت اگر کودک دست راست و چپ خود را تشخیص داد، او را در برابر قبله قرار دهید و سجده را به او بیاموزید و در سن شش سالگی رکوع و سجود را به او آموزش دهید. سپس رهایش کنید تا هفت سال او تمام شود. پس وقتی هفت سال او تمام شد، به او بگویید صورت و دست خود را بشوید (آمادگی برای وضو). سپس به او بگویید نماز بخواند؛ آن گاه کودک را به حال خود واگذارید تا نه سال او تمام شود، وقتی تمام شد، در این هنگام وضو گرفتن صحیح را به او بیاموزید و بر (ترک) آن تنبیه گردد و او را به نماز وادارید و بر (ترک) آن تنبیه

گردد. وقتی وضو و نماز را فراگرفت، خداوند، او و پدر و مادرش را
!می‌آمزد؛ ان شاءالله^{۱۷}

«رسول‌خدا(ص): نخستین چیزی که

در قیامت از زن می‌پرسند، نماز است و سپس درباره
شوهرش (اگر ازدواج کرده بوده) که چگونه
باشوهرش رفتار می‌نموده است.»^{۱۸}

11- اگر فرزند دختر است، اهمیت حجاب را در
مناسبت‌های مختلف به او گوشزد نماید و نگذارد که با
لباس نامناسب در کوچه و خیابان ظاهر شود.

حجاب دختر تا اندازه زیادی به حجاب مادر

و طرز فکر و تقید مادر به حجاب بر می‌گردد. چه بسا

محمد بن حسن حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه، ج 21،
ص 474، ح 27620¹⁷

مادرانی که خود حجابی دارند ولی از کودکی دختران خود را همچون عروسک، زینت و آرایش نموده و با خود در کوی و برزن و مجالس عروسی و مهمانی‌ها به نمایش می‌گذارند اما نمی‌دانند که چگونه دختر خود را از راه عفت و حیا دور کرده و او را به انحرافات سوق می‌دهند.

دلایل حجاب زن

آیه اول: «ای پیامبر! به زنان با ایمان بگو: چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است، آشکار ننمایند و اطراف روس‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)» نور 31

آیه دوم: «ای زنهای پیغمبر! شما مثل افراد عادی نیستید. بایستی مراتب تقوی و پارسایی را کاملاً رعایت نموده و بدون کم و زیاد، تمام دستورات خدا

را عملی کنید. بنابراین اگر واقعاً شماها پرهیزکار
و خدا ترسید، پس در گفتار تان نرمی و فروتنی نکنید
و صدای خود را نازک ننمائید تا اشخاصی که دلشان
مریض است و اسیر دست شهوتند، از صدای
نرم و نازک شما تحریک نشده و میل و طمع به شما
نکنند و در وقت لزوم باید طوری بادرشتی و خشونت
صحبت کنید که پسند خدا و رسول بوده و موجب
فتنه و لغزش و میل و تحریک مردم نشود. و باید در
خانه‌های خود قرار گیرید و زینتهای خود را اظهار
نکنید همانطور که کافران پیشین خود را به نمایش
می گذاشتند و نماز را برپا دارید و زکات بدهید و از
خدا و رسول اطاعت نمائید.» 32 احزاب

آیه سوم: «وقتی از زنهای پیغمبر چیزی می طلبید از
پشت پرده از ایشان بخواهید. این طور برای دل‌های
شما و دل‌های آنها پاک تر است» 33 احزاب

آیه چهارم: «ای پیغمبر! به زنان و دختران خود و زنهای مؤمنین بگو که جلباب (چادر) بر سر خود بیاندازند که این پوشش در فرق زنهای خوب از زنهای نانجیب، نزدیکتر و مؤثرتر است و باعث میشود زنهای مؤمنه توسط افراد فاسدازیت نشوند و نسبت به گذشته ها چون قصد سویی نداشته اند یا چون توبه کنند، خداوند بخشاینده و مهربان است. و اگر منافقین و آنهایی که در دلشان مرض است و آنهایی که حرفهای مضر در بین مردم اشاعه میدهند از این اعمال دست نکشند، تورا بر آنها مسلط می کنیم که بر آنها فشار بیاوری بطوریکه نتوانند در مدینه در همسایگی تو بمانند مگر زمان اندکی. در حالی که اینها ملعونند و دستور است که هر کجا اینها یافت شوند، آنها را بگیرند و به خوارترین و سخت ترین وجهی بکشند. سنت الهی در مورد اهل نفاق، در هر عصری همین

بوده و خواهد بود و به هیچ وجه ممکن، این آیین در مورد اینها تغییر نمی یابد.»

«از جمله بیعت‌هایی که پیامبر(ص) از زنان گرفت این بود که در خلوت با مردان مسافرت و نشست و برخاست نکنند.»^{۱۹}

12- برای آموزش قرآن به فرزندش برنامه ریزی کند.

از برکات نظام جمهوری اسلامی ایران این است که صدها کودک حافظ کل قرآن و هزاران نوجوان آشنا به قرآن تربیت کرده است. مادر باید در مورد تعلیم قرآن به فرزندش همواره تأکید و جدیت داشته باشد همانطور که در مورد لباس و غذای کودکش توجه دارد.

«پیامبر(ص): هر که در کودکی قرآن بخواند، به حکمت دست یافته است.»^{۲۰}

13- در ایام نوجوانی نظارت کامل بر معاشرت فرزندش داشته باشد.

«فرمانده نیروی انتظامی: 75 درصد انحرافات نوجوانان در بین راه مدرسه تا خانه رخ می دهد.»

متأسفانه جوانانی هستند که بوسیله سی دی ای فاسد و مجالس و دوستان فاسد، به فساد اخلاق مبتلا شده و در کمین نوجوانان معصوم و بی اطلاع هستند تا آنان را شکار کنند. لذا به مادران و پدران باید هشدار داد که تا زمانی که نوجوان به رشد عقلی بالایی نرسیده نظارت کامل و صد درصد بر معاشرت

فرزندان اعم از دختر و پسر نموده و لحظه‌ای از آنان غافل نباشند. حاضر نشوند شبی به بهنه دوست و رفیق در خارج از خانه بمانند و یا با دوستان به مسافرت بروند و خلاصه دور از دید والدین دلسوز خود باشند. همانطور که باغبان مدتها زحمت می‌کشد تا گل‌هایش به ثمر برسند والدین باید از راحتی خود چشم‌پوشند و مواظب روحيات فرزندان باشند.

14- به فرزندان محبت کند تا گول محبت‌های ظاهری دیگران را نخورند. ولی در محبت زیاده روی نکند!

«رسول خدا(ص): کسیکه فرزندش را ببوسد یک حسنه دارد و اگر او را خوشحال کند، روز قیامت خدا او را خوشحال می‌کند و کسیکه به فرزندش قرآن بیاموزد، روز قیامت پدر و مادر کودک را ندا

نموده و دو حلهٔ بهشتی از نور، بر تن آنان می‌نمایند که
از نورش صورت اهل محشر روشن می‌شود.»^{۲۱}

«رسول خدا(ص): فرزند صالح گلی از گلهای بهشت
است.»

«رسول خدا(ص): کسیکه خدا به او دختری بدهد
و او را اذیت نکند و او را کوچک نشمارد و فرزندان
پسر را بر او ترجیح ندهد، خدا بخاطر همین
دختر، او را به بهشت می‌برد.»^{۲۲}

اگر چه اکثر مادران به فرزندانشان محبت
دارند و کم هستند مادرانی که بخاطر لذات
نامشروع، فرزندانشان را مورد آزار و اذیت قرار

<https://razavi.aqr.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=News...>
21

hyperclubz.com/Main/Club.aspx?qClub=golestan&qCat=home-lifestyle-gr2...

می‌دهند ولی باید این محبت متعادل باشد و اگر از حد خود خارج شد، عواقب سوئی ایجاد می‌نماید. محبتها و تنبیه‌ها و تشویق‌ها باید عادلانه باشد و از حد خود تجاوز ننماید و الا آثار خطرناکی بر روحیات فرزند وارد می‌کند. به نامه یک فرزند بزهکار که از بازداشتگاه برای مادرش ارسال نموده توجه کنید:

«این نامه‌ای است که یک پسر بزهکار از زندان برای مادرش نوشته است:

مادر! امروز هنگامی که با دو نفر از دوستانم در یکی از خانه‌های نارمک تهران سرگرم دزدی اثاث خانه‌ای بودیم، توسط پلیس دستگیر شدیم و چون برای بار دوم می‌خواهند مرا به جرم دزدی به زندان ببرند، می‌خواهم امشب از این گوشه بازداشتگاه با تو درد دل کنم و بگویم:

تو گناهکاری! تو باعث تمام بدبختی های من هستی! تو خیلی مرا دوست داشتی و همین محبت کور کورانه مرا به روز سیاه نشانده. آن روز که پدرم به این خاطر که دست در جیبش کرده بودم، می خواست مرا تنبیه کند ولی تو جلو دویدی و نگذاشتی که او مرا تنبیه کند و گفتی: این پسر کوچولوی من است! او هر دفعه این صحنه تکرار شد!

مادر! من شبها دیر به خانه می آمدم، اما تو چیزی از من نمی پرسیدی، حتی این موضوع را از پدرم پنهان می کردی! تو مرا از معاشرت با جوانان هرزه منع نکردی و حتی وقتی فهمیدی که من دزدی می کنم، مانع من نشدی و فقط گفتی: کاری نکن که پدرت بفهمد!

مادر! من تورا می‌بخشم، اما آنچه در حق من
کردی، در بارهٔ برادر کوچکم نکن!»^{۲۳}

آثار سوء بی توجهی والدین در تربیت
فرزندانشان را باید در کوچه و بازار و در بدحجابی
ولنگاری دختران و در پوشیدن لباسهای
غربی پسران و در ایجاد مزاحمت‌های خیابانی برای
دختران و در زندانها و آموخته‌های دزدی و قتل
و تشکیل باندهای مخوف و باندهای فساد اخلاق به
وضوح مشاهده نمود! که گاهی پدر و مادر یک جوان
قاتل انگشت به دهان می‌گیرند که چرا این جور
شد؟؟؟ چطور فرزند ما مرتکب این قتل و جنایت
شد؟؟؟ در حالی که عامل اصلی جرم‌های جوانان
والدین هستند. آنها در تربیت فرزندشان کوتاهی
کردند. و باید خودشان راسرزنش نمایند.

15- خود راستگو و متواضع و سخاوتمند و عقیف و با
حجاب و شوهردار و طالب علم و امانتدار و اهل صله
رحم و... باشد تا فرزندانش نیز این چنین باشند.

«وقتی در قم، مادر سه شهید در تشییع
فرزند سومش حاضر شده بود، در میان بانوان
و در مقابل جنازه فرزند شهیدش، ایستاد
و سخنرانی کرد. نخست خطاب به جنازه، این بیت را
خواند:

بشکست اگر دل من بفدای چشم مستت سرِ خُم می
سلامت، شکند اگر سبویی یعنی: امام به سلامت
باشند، دل شکسته ام به فدای چشمهای تو.

بعد چنین گفت:

پسرم! نور دیده ام... سومین پسرم بودی که تو را نثار
راه قرآن نمودم. امروز، نخستین روز بهار به دیدار

گل ارغوانی و پرپرآمدهام، پیکر دو برادر شهیدت
را سال قبل دیدم، برای دیدار پیکر تو، نخست
اجازه نمی دادند، ولی وقتی دیدند، صبر و استقامت من
خوب است، اجازه دادند، من وقتی پیکر تو را دیدم، از
ته دل خشنود شدم که (به دلخواه من شهید
شدی) زیرا دلم می خواست تو در راه خدا قطعه
قطعه شوی و چنین شد.

سپس این بانوی شجاع دستهایش را بطرف آسمان
بلند کرد و چنین گفت: خدایا! تورا شکر و سپاس
می گویم که فرزندم در این آزمایش الهی، این
گونه، سرافراز و پیروز و روسفید، بیرون آمد...»^{۲۴}

16- آئین شوهرداری را به دخترانش آموزش دهد.

hyperclubz.com/Main/Club.aspx?qClub=golestan&qCat=home-lifestyle-gr2...

مادر باید شوهر داری را به دخترانش یاد
دهد تا آنها با استفاده از تجربیات چند ساله او
زندگی موفق داشته باشند.

«وقتی قرار شد که ایاس دختر عوف به
خانه شوهر برود، مادرش او را این چنین نصیحت
کرد:

دخترم! تو از خانه‌ای که با آن انس گرفته‌ای
به خانه‌ای ناآشنای روی. پس در برابر همسرت
فروتن باش تا با او انس بگیری. و برای اینکه پشتیبان
و کمک کار داشته باشی به این اندرزها عمل نما!

اهل قناعت باش. دستوره‌های همسرت را بشنو
و انجام بده. در برابرش خود را آراسته کن تا وقتی
بتو نگاه می‌کند ناراحت نشود. خود را معطر کن تا
بوی تو برایش بهترین بو باشد. هنگام گرسنگی از
او با غذا پذیرائی کن زیرا در هنگام گرسنگی انسان

در هیجان و ناراحتی است. هنگام استراحت او را یاری کن زیرا ممکن است از بی خوابی خشمگین شود. در نبودنش از مالش نگه داری کن. در کارها به او کمک نما. اسرار او را فاش نکن و گرنه مطمئن باش که در امان نخواهی بود. هنگام ناراحتی او نخند و هنگام خوشحالی او ناراحت نباش.»^{۲۵}

17- اگر خواستگار مؤمن و خوش اخلاقی برای دخترش آمد، مانع تراشی نکند.

طبق آمار در حال حاضر بیش از ده میلیون میلیون دختر شوهر نکرده و پسر مجرد در ایران زندگی می کنند. و همین آمار درباره پسران مجرد نیز صدق می نماید. راستی با وجود گزینه جنسی در جوانان و وجود همسران هم‌شان

چرا باید این جوانان مجرد زندگی بکنند و گرفتار آثار سوء مجرد بودن باشند؟ آیا غیر از رسم و رسومات غیر اسلامی و غیر واقعی، مانع دیگری است؟ مهریه‌های بالا! خرج‌های سنگین! بهانه‌های مختلف! که متأسفانه به خانواده‌های متدین و مذهبی هم سرایت کرده است و حتماً باید در تالارها و هتل‌های گران قیمت مراسم را برگزار نمایند. ولی اسلام عزیز این رسومات را قبول ندارد.

«امام رضا علیه السلام: اگر مؤمنی به خواستگاری دختری برود و پانصد درهم جهت مهر پیشنهاد کند ولی آنان بیشتر بخواهند و این مقدار را نپذیرفته به او دختر ندهند، بر او ستم کرده و خداوند پدر آن خانواده را از حورالعین محروم می‌کند»^{۲۶}

وپیامبر(ص) فرمود: اگر کسیکه از دین و اخلاقش
راضی هستید به خواستگاری بیاید و دختر
ندهید، فساد بزرگی پدید می آید!^{۲۷}

18- فرزندان را به ازدواج هم شأن خودشان
درییاورد.

«دختر و پسر از خانواده متدین باید با هم
شأن خود ازدواج کنند و دختر و پسر از خانواده بی
اعتنا به دین نیز همچنین.

«والطیبات للطیبین والخییثات للخییثین» نور 26

دختر پاک و مؤمن برای پسر پاک و مؤمن و دختر
ناپاک و بی دین برای پسر ناپاک و بی دین لایق
هستند.»

²⁷ خانواده نمونه

19- دخترش را به فاسق و فاجر و شرابخوار شوهر

ندهد!

مادر نباید گول عناوین و ظواهر و پول و ثروت داماد و خانواده اش را بخورد و بدون توجه به رعایت مسائل اخلاقی از طرف داماد، دخترش را به خانه آلوده بفرستد.

«دختری بعد از دوماه عروسی به خانه پدر برگشت و اعلام کرد که متوجه شده شوهرش معتاد است و او بزور طلاهایش را گرفته و فروخته است. و با گریه می گفت که بعد از دوماه بیوه شدم!

اگر علت این مسئله بررسی شود مشخص می شود که متأسفانه پدر و مادر دختر در هنگام خواستگاری داماد! بفکر نماز و تدین داماد نبودند و فقط چشم به

ظواهر زندگی او و قدرت مالی و قیافه ظاهری او
داشته‌اند

لذا باید تاوان سنگینی را برای این بی توجهی
بپردازند!»

«پیامبر(ص): کسیکه دخترش را به بی دین شوهر
بدهد، روزی هزار بار لعنت بر او نازل می‌شود.»^{۲۸}

«امام رضا علیه السلام: اگر دختر به شرابخوار
بدهید، گویا او را به زنا واداشته‌اید!»^{۲۹}

...و

تاکنون از بایدهایی که در زنان و مادران
باشد، سخن گفته شد، حال پردازیم به این که زنان

چه وظیفه‌ای در مقابل شوهرانشان دارند. سپس در مورد وظایف مادران نسبت به فرزندانشان مطالبی را خواهیم آورد:

فصل دوم:

وظایف زنان نسبت به شوهرانشان

1- اطاعت از شوهر

با توجه به اینکه شوهر سرپرست خانواده است، زن باید مطیع او باشد تا قوام زندگی حفظ شود. زن نافرمان باعث بهم ریختن زندگی می‌شود. و در این خانه‌ها، فرزندان خوبی تربیت نمی‌شوند.

«زن پرهیزکار طاعت دوست* با تو چومغز باشد اندر پوست

زن ناپارسا شکنج دلست*زود دفعش بکن، که رنج
دلست»^{۳۰}

2- خارج نشدن از خانه بدون اجازه شوهر

«امام صادق علیه السلام فرمود: در عهد
رسول خدا(ص)، مردی از انصار قصد مسافرت داشت،
هنگام خارج شدن از خانه به همسرش گفت: تا
من برنگشتم از خانه بیرون نرو، چندی بعد، پدر
زن بیمار شد. این زن شخصی را خدمت پیامبر(ص)
فرستاد که شوهرم گفته از خانه خارج نشو ولی
اکنون پدرم بیمار شده است. می توانم به عیادت او
بروم؟ حضرت جواب فرمود که در خانه بمان و از
شویت اطاعت کن! چند روز بعد خبر رحلت پدرش

³⁰ اوحدی مراغه‌ای»

را به او دادند. باز به پیامبر(ص) پیغام داد که آیامی توانم بر جنازه پدرم حاضر شوم؟ حضرت جواب داد که در خانه بمان و از شویت اطاعت کن! تا اینکه پدرش را بخاک سپردند. وقتی شوهر از سفر آمد بازنش نزد پیامبر رفت. پیامبر(ص) به زن بشارت داد که در مقابل اطاعت تو از شوهرت، خداوند تو و پدرت را آمرزید.»^{۳۱}

3- هر زمان شوهر به او نیاز داشت، تمکین کند.

«رسول خدا(ص): هر زنیکه شوهر او را برای جماع صدا بزند و او تأخیر کند تا اینکه شوهر بخواب رود، پیوسته ملائکه او را لعن کنند تا شوهر بیدار شود!»

نشوز زن

«عوامل نشوز زن که باعث می‌شود زن از حق نفقه محروم شود:

عدم تمکین از شوهر، ترک نظافت و آرایش خود، بیرون رفتن از خانه بدون اجازه شوهر»

«خانمی به زن دیگری گفته بود. ما زنهای فلان محل زیاد به شوهرمان رو نمی‌دهیم! یعنی در بسیاری از مواقع که شوهر نیاز به زن دارد، زن به بهانه‌ای از این امر دوری می‌نماید و این یکی از علل چشم چرانی مردهای متأهل است که در منزل اشباع نشده‌اند لذا در خارج از منزل گرسنه و حریص می‌شوند!»

4-لباس و ظاهر خود را با بهترین وجه بیاراید.

«در پرونده‌ای که زن شاکی بود و نوشته بود که شوهرش قصد ازدواج مجدد دارد، از مرد سؤال

شدد آیا قصد ازدواج مجدد
دارید؟ جواب داد: آری، علت این امر سؤال
شد. جواب داد که: وقتی خسته و کوفته از سر کار به
منزل می آیم، به خانم سلام می کنم، جوابی
نمی شنوم. کنار او می روم، از بوی پیاز و سیب زمینی
و خلاصه مواد آشپزخانه از او منجر می شوم. به
لباسهای او نگاه می کنم، می بینم که از لباسهای
مختلفی که برای او خریده ام در تن او خبری نیست
و در عوض لباس کهنه و شلخته ای به تن دارد. لذا از
او بدم می آید و تصمیم دارم با زنی که
خوش بر خورد و خوشبو! و خوش لباس باشد ازدواج
کنم!»

5- اسرار خانه را برای زنان فامیل و همسایگان نقل
نکند.

6- بر اخلاق بد شوهرش صبر نماید.

«پیامبر (ص) فرمود:

«هر زنی که بر اخلاق بد شوهرش صبر کند، خداوند ثواب حضرت آسیه را به او بدهد.»

زن صبور و شکور

«اصمعی وزیر خلیفه عباسی در بیابان به خیمه‌ای رسید. زنی جوان و صاحب جمال درخیمه بود. اصمعی از او آب طلبید. زن گفت: شوهرم نیست و اجازه ندارم به شما آب بدهم. ولی اجازه شیر این بز بدست خودم است. زن از شیر به اصمعی داد. در این موقع سیاهی از دور پیداشد. زن گفت: شوهرم است که از صحرا برمی‌گردد. وقتی شتر سوار رسید، زن با استقبال او رفت و بر او سلام کرد، پاهای او را شست و... ولی هر چه زن محبت می‌کرد، مرد که قیافه زشتی داشت و یک پایش لنگ بود، با بد اخلاقی به او جواب می‌داد. تا اینکه

مرد وارد خیمه شد و نگاه غضبناکی به اصمعی نمود و به آخر خیمه رفت. اصمعی به زن گفت: حیف نیست شما با این امتیازات، با همچو مردی زندگی می‌کنی؟ زن گفت: من از شما که وزیر خلیفه هستی تعجب می‌کنم که می‌خواهی بین من و شوهرم جدائی بیافکنی! اگر من با این مرد زندگی می‌کنم برای این است که می‌خواهم به روایت پیامبر(ص) عمل کرده باشم که فرمود: ایمان دو نیمه است. نیمه‌ای شکر و یک نیمه‌اش صبر است. من خدا را بر نعمتهایش شکر گفته و بر سختی‌های زندگی صبر می‌نمایم. و امید به پادشاهای آخرت دارم.»^{۳۲}

7- با اخلاق خوب با شوهرش روبرو شود.

³² خوبیها و بدیها بخش صبر

«مردی خدمت پیامبر(ص) آمد و گفت: ای رسول خدا! همسری دارم که چون به خانه می‌روم به پیشبازم می‌آید و هنگام خارج شدن، بدرقه‌ام می‌کند. اگر مرا ناراحت ببیند می‌گوید: ناراحت نباش! که اگر غم‌روزی را می‌خوری، خدا روزی رسان است. و اگر غم آخرت داری، خدا غم‌هایت را زیاد کند!

«پیامبر(ص) فرمود:» به او بشارت بهشت بده! و به او بگو که تو یکی از عاملان خدایی که در هر روز، پاداش هفتاد شهید برای تو خواهد بود.»^{۳۳}

«حسین بن علاء می‌گوید: در خدمت امام صادق علیه السلام بودم که مردی آمد و از زنش شکایت کرد. امام فرمود: برو و زنت را بیاور! آن مرد رفت و با همسرش برگشت. امام به آن زن فرمود:

شوهرت چه می‌گوید؟ زن گفت: خدا چنین و چنانش بکند! امام فرمود: اگر بر این حال بمانی و اخلاقت را با شویت درست نکنی، سه روز بیشتر زنده نمایی! زن گفت: می‌خواهم هرگز صورتش را نبینم! امام به آن مرد فرمود: دست زنت را بگیر و برو که بیشتر از سه روز زنده نمی‌ماند!

آن دو رفتند، بعد از سه روز آن زن از دنیا رفت»^{۳۴}

امّ سلمه از پیامبر دربارهٔ ثواب خدمت زن به شوهرش پرسید. حضرت فرمود: «وقتی زن در خانه کار می‌کند و مثلاً وسیله‌ای را از جایی برمی‌دارد و در جای دیگر می‌گذارد، در این حال خداوند به او نظر می‌کند. و هر که خدا به او نظر کند، او را عذاب نمی‌کند.»^{۳۵}

و فرمود:

«در نزد خداوند، نشستن زن در کنار شوهرش، از اعتکاف در مسجد من بالاتر است.»

و فرمود:

«هر زنی که در خانه شوهر، طوری شوهرداری کند که صلاح شوهر او باشد، خدا همه گناهان او را محو می‌کند و حسناتش را مضاعف می‌نماید. و چون از شوهر حامله شود، آنقدر برایش ثواب بنویسند، و مانند کسی است در تمام عمر روزه‌دار و دائم الصلوة بوده باشد. و هر بار که کودکش را شیر می‌دهد، مثل این است که بنده‌ای در راه خدا آزاد کرده، و چون کودک را از شیر بگیرد، منادی

از آسمان ندا کند: ای زن! تمام گناهان گذشته‌ات
آمرزیده شد.»^{۳۶}

8- در زندگی اهل قناعت بوده و ولخرجی و اسراف
ننماید

همسر و مادر نمونه باید قناعت داشته باشد
و خرج اضافه بر درآمد شوهر نتراشد و بدنبال چشم
و هم چشمی نباشد و الا زندگی از مسیر سالم خود
دور می‌شود.

«علی‌علیه السلام فرمود: فاطمه (س) با اینکه
محبوبترین افراد نزد پیغمبر بود، اما آنقدر با مشک
آب کشید که اثر مشک در بدنش پیدا شد و آنقدر
خانه را جاروب کرد که لباسهایش غبار آلود بود

وآنقدر زیر دیگ آتش افروخت که لباسهایش
عوض شد (کهنه شد).^{۳۷}

«روزی پیغمبر (ص) پیش فاطمه (س) رفت و دید که
بچه را شیر می دهد و با دستش آسیاب را می
چرخاند و لباس تن او از جل شتر
است. پیغمبر فرمود: ای دختر گرامی! امروز تلخیهای
دنیا را برای شیرینیهای آخرت بچش! فاطمه
فرمود: من خدا را بخاطر نعمتهایش حمد می
کنم و بر کرامتهایش شکر می گذارم. در این موقع آیه

«ولسوف یعطیک ربک فترضی!»^۵ ضحی

«بزودی خدا آنقدر بتو بدهد تا راضی شوی.»

نازل شد.^{۳۸}

علی علیه السلام فرمود: فاطمه (س) با اینکه محبوبترین
افراد نزد پیغمبر بود، اما آنقدر^{۳۷}

پدر و همسر نمونه

پدر به عنوان سرپرست خانواده و ساکناندار این کانون، مسئولیت هدایت خانواده در مسیر سعادت را به عهده دارد. این مسئولیت از طرف خداوند به عهده پدر گذاشته شده و هیچ کسی نمی تواند این مسئولیت را از روی دوش او بردارد:

«الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض وبما انفقوا من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله واللاتي نشوزهن فعظوهن واهجروهن في المضاجع واضربوهن فان اطعنكم فلا تبغوا عليهن سبيلا ان الله كان

علیاکبیرا»^{۳۹} یعنی مردان بر زنان سرپرستی دارند بخاطر اینکه خدا بعضی را بر بعضی برتری داده و به خاطر اینکه مردان از مال خود نفقه زنان و مهریه آنان را می دهند. پس زنان صالح و شایسته باید فرمانبر شوهران در کام گیری و تمتعات جنسی و حافظ ناموس و منافع و آبروی آنان در غیابشان باشند. همانطور که خدا منافع آنان را حفظ فرموده. و زنانی را که بیم دارید نافرمانیتان کنند، نخست اندرز دهید و اگر به اطاعت در نیامدند با آنها قهر کنید و به بستر راه ندهید و اگر این نیز مؤثر نشد بزنیانشان پس اگر به اطاعت در آمدند دیگر برای ادامه زدن بهانه جوئی نکنید. و بخاطر علوی که خدا بشما داده مفرور نشوید که دارنده علو و بزرگی خداست.

خصوصیات پدر نمونه

همان ده خصلتی که در زنان باید باشد تا
سعادت دو جهان را دریابند، در مردان هم باید باشد
که شامل:

مسلمان بودن، ایمان، دعا کننده، راستگو، صبور، مطیع خ
دا، انفاق کننده، روزه گیر، عفیف، اهل ذکر است.

اگر پدر صالح باشد و وظایف خود را بخوبی
انجام دهد حتما خانواده خود را خوشبخت خواهد
نمود.

پدری که مؤمن بوده و اهل معنویات هست و به
فضائل اخلاقی اهمیت می دهد، نخواهد گذاشت که
خانواده در مسیر نادرست قرار بگیرد.

برخلاف فرهنگ غرب که با عدم نظارت وعدم دخالت پدر در امور شخصی و خصوصی همسر و فرزندان به اسم آزادی، خانواده‌ها از هم پاشیده شده و دیگر لقب پدر به عنوان یک واژه مقدس کمتر بکار می‌رود.

سرپرستی پدر

پدر مسئولیت ویژه‌ای برعهده دارد که خداوند به عهده او گذاشته است و آن سرپرستی خانواده خویش می‌باشد. در کشور ما در بسیاری از خانواده‌ها مخصوصاً در زمان گذشته به این مسئولیت عمل می‌شد و پدر جایگاه خویش را داشت ولی اخیراً بدلیل شعارهای فمینیستی و زنگرائی بعضی

وبدلیل تقلید از فرهنگ غرب وبدلیل عدم اطلاع شوهران از مسئولیت خویش، در بعضی از خانواده‌ها وضع برعکس شده است وباوجود حضور مرد، زن سرپرست خانواده می‌باشد!

اگر چه سرپرست بودن مرد، علامت برتری او بر زن در نزد خداوند نیست ولی با ایفای این مسئولیت توسط اوست که خانواده‌ها از فروپاشی مصون می‌مانند واسیر عواطف زنانه نمی‌شوند و در حوادث مهم از ادامه مسیر باز نمی‌مانند. لذا اخیرا در کشور آمریکا عده‌ای از زنان ومردان طی درخواستی از قوه قضائیه آن کشور، درخواست کرده‌اند که همانند گذشته مسئله سرپرست بودن مرد در خانواده‌ها احیاء شود. زیرا آزادی‌هایی که به زنان داده شده است، نه تنها فایده‌ای برای زنان

نداشته بلکه باعث تزلزل و فروپاشی خانواده‌های
بسیاری شده است.

مردیکه باید در مسائل مهم زندگی تابع زن
باشد و در حقیقت زن تصمیم گیرنده است، از نظر
اجتماعی و روانی دارای مشکلاتی می‌شود. مثلاً مرد
تمایل دارد که بسفر بروند ولی زن مخالفت
می‌کند و سفر انجام نمی‌شود. مرد دوست دارد فلان
شغل را اختیار کند ولی زن آن را نمی‌پسندد. مرد
می‌خواهد فلان مهمانی را بدهد ولی زن
مخالفت می‌کند و برعکس مرد دوست ندارد زنش
به فلان مهمانی برود ولی زن می‌رود! مرد دوست
ندارد زنش فلان لباس را (نامناسب) بپوشد ولی
زن می‌پوشد. مرد دوست ندارد زن فلان خرج را
بکند و یا وسایل غیر ضرور را که بار مالی سنگین
دارد بخرد ولی زن این کار را می‌کند! مرد

دوست ندارد زن بدون اجازه او از خانه خارج شده
و در زمانی که او به همسرش نیاز دارد، او در خانه
نباشد ولی زن بدون اجازه بیرون رفته و این کار
بارها و بارها تکرار می شود. و صدها نمونه از برآورده
نشدن خواسته های مرد در خانه هایی که زن سالاری
است. و این بتدریج به شکست این گونه خانواده ها
کمک می نماید. اگر چه باید مرد هم به خواسته های
شرعی و قانونی زن تن در دهد.

«به امام کاظم علیه السلام گفته شد: مردی
به زنش می گوید که اختیار تو با خودت است! آیا
این حرف صحیح است؟ امام فرمود: خیر این
حرف باطل است. زیرا خدا این حق را برای مرد قرار
داده است و کسی نمی تواند این حق را از مرد بگیرد.

سپس امام آیة «الرجال قوامون على النساء...» را تلاوت فرمودند.⁴⁰

وظایف مردان:

1- انتخاب همسری شایسته برای خود.

او باید برای خود زنی را انتخاب کند که علاوه بر زیبایی ظاهری و مهریه کم، دارای اخلاق حمیده و ایمان و تقوا باشد. زیرا او قرار است مادر فرزندان او شود پس ببیند چه کسی را برای این کار انتخاب می‌کند.

«امیرمؤمنان علی علیه السلام: در آخر الزمان که نزدیک قیامت و بدترین زمانهاست، زنانی پیدا بشوند که خیابان گرد، از دین بیگانه، دنباله‌رو فتنه‌ها و هوسها و پیرو شهوات و شتابان بسوس لذتها و حلال

⁴⁰ خانواده نمونه

کندهٔ حرامها باشند! اینان به دوزخ گرفتار
ابدی شوند.»^{۴۱}

«رسول خدا(ص): از گلهای لجنزار
پرهیزید! گفتند: گلهای لجنزار چیستند؟ فرمود: زنان
زیبا که در خانواده‌های پست و بدتریت شده‌اند.»^{۴۲}

«از جمله دعاهای رسول خدا(ص) این بود: خدایا! بتو
پناه می‌برم از زنی که قبل از اینکه پیرشوم مرا پیر
کند!»^{۴۳}

«امام صادق علیه السلام: زن قلاده است پس دقت
کن چه قلاده‌ای به گردنت می‌بندی!»^{۴۴}

www.ghatreh.com/news/nn45865297
41

www.pasokhgoo.ir/node/48294
42

⁴³خانواده نمونه

⁴⁴همان

2- دوری از انحرافات اخلاقی قبل و بعد از ازدواج

3- رعایت سفارشات اسلام در مورد آمیزش جنسی

«آمیزش در مواقع و حالات زیر چنانچه

منجر به انعقاد نطفه شود مکروه بوده و آثار

زیانباری را در پی دارد:

روبه قبله و پشت به قبله، هنگام هلال و بدر و محاق

ماه (شب چهارده) - در برابر آفتاب - عریان - ایستاده

- در اول و وسط و آخر ماه که باعث جنون و جذام

و صرع در مادر بچه می شود - بعد از ظهر که

موجب قیچی می شود - صحبت کردن موقع آمیزش

که موجب لال بودن بچه می شود - نگاه کردن به

عورت زن که موجب کوری فرزند می شود - قرآن

خواندن با حال جنابت - با یک دستمال تمیز کردن

زن وشوهر خود را که باعث جدایی زن وشوهر می شود - نزدیکی در شب عید فطر که باعث شرور شدن بچه می شود - نزدیکی شب عید قربان که باعث نقصان در انگشتان بچه می شود - در زیر درخت که کودک قاتل می شود - بین اذان واقامه - شب نیمه شعبان که کودک زشت می شود - دوروزمانده به آخر ماه - بالای پشت بام - در کشتی - بعد از جنب شدن - در حال حیض - شب چهارشنبه - در موقعی که کودکی در خانه باشد،^{۴۵}

4- کمک به همسر برای رعایت آداب ولادت

ونامگذاری و ولیمه

«از امام ششم راجع به عقیقه سؤال شد. فرمود: گوسفند یا گاو یا شتر برای او قربانی کنند و بعد از عقیقه، بر کودک نام گذارند و روز هفتم سر او را بتراشند و به وزن مویش، طلا یا نقره صدقه دهند و اگر پسر است حیوان نر و اگر دختر است، حیوان ماده قربانی کنند.»^{۴۶}

«رسول خدا (ص): فرزند بر پدر حقوقی دارد و پدر نیز بر فرزند حقوقی دارد. اما حق پدر بر فرزند آنستکه در هر چیزی بجز معصیت، مطیع پدر باشد. و حقوق فرزند بر پدر آنستکه برای فرزندش نام نیکو بگذارد و او را ب نیکو به او بیاموزد و قرآن را به او تعلیم نماید.»^{۴۷}

⁴⁶ حلیه المتقین

5- محبت به فرزندان و همراه بردن فرزندان به

تفریحات سالم

محبت والدین به فرزندان باعث استحکام خانواده می شود و چشم آنها را بر محبت‌های ظاهری خارج از خانه می بندد.

«رسول خدا(ص): خداوند دوست دارد که آنچنان بین فرزندان با عدالت رفتار نمائید که حتی ' در بوسیدن آنها نیز مساوات باشد.»

«امام ششم علیه السلام: همانا خداوند بر بنده‌ای که علاقه زیاد به فرزندش دارد، رحم می کند.»^{۴۸}

«پیامبر(ص): بچه هارا دوست بدارید وبر آنها ترحم داشته باشید.»^{۴۹}

«امام هفتم علیه السلام: خدا در چیزی همانند غضب برای کودکان و زنان غضب نمی کند.»^{۵۰}

»

5- استفاده از درآمد حلال برای خورد و خوراک خانواده

لقمه حلال در تربیت سالم انسان نقش مهمی دارد همانگونه که لقمه های حرام در انحراف انسانها آثار مهمی دارد.

«در حدیث قدسی است که ایمان ده جزء دارد
وهفت جزئش کسب در آمد حلال است»^{۵۱}

«در حدیث قدسی است که کسیکه اهمیت نمی‌دهد
از چه جایی در آمد کسب کند، منہم اهمیت نمی‌دهم
که او را از چه دری وارد جهنم نمایم!»^{۵۲}

رسول خدا: هر که از حلال بخورد ملکی بر
بالای سرش بایستد و برایش استغفار کند تا زمانی
که از غذا دست بکشد.»^{۵۳}

6- آشنا کردن فرزندان با خدا و آموزه‌های مذهبی

برای پرورش حس مذهبی فرزندان باید

چند مرحله را طی کرد:

^{۵۱} بحار، ج 100، ص 9، ح 37

^{۵۲} همان

^{۵۳} همان

1- آنها را با استدلال ساده با خدا آشنا نمائیم.

2- خدا را با صفات نیکویش مانند رحمان و رحیم و آمرزنده بودن معرفی کنیم.

3- از دوستی خدا با آنها حرف بزنیم. «ای پیامبر بگو: اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست داشته و گناهانتان را ببامرزد و خدا آمرزنده و مهربان است.» آل عمران 31

4- نوجوانان را به عبادات واجب و مستحب عادت داده و نماز را از هفت سالگی به آنها آموزش دهیم.

اگر پرورش مذهبی نوجوان از دوازده سالگی بدرستی انجام پذیرد، او در 16 سالگی یک فرد معتقد و با ایمان خواهد بود و با این احساس می‌تواند در مقابل تمایلات نفسانی و شهوات، مقاومت کند و از تندروی و طغیان برکنار

بماند. اما برعکس، نوجوانی که احساسات مذهبی‌ش مورد حمایت و پرورش قرار نگرفته و احیاناً سرکوب شده باشد، نوجوانی که خواهش معنوی‌ش ارضاء نگشته و نور ایمان، ضمیرش را روشن ننموده باشد، در 16 سالگی محکوم تمایلات غریزی و شهوی خواهد بود و عواطف مذهبی پرورش نیافته‌اش قادر نیست او را در مقابل انحرافات ایمنی بخشد.

عبادات واجب و مستحبی که در اسلام تشریح شده و همچنین دعا و نیایش در پیشگاه الهی از عوامل مؤثر در تحکیم دوستی و محبت پروردگار است. نماز ارتباط دهنده انسان به خالقش می‌باشد. نماز گزار روزی چند بار به پیشگاه خدا می‌رود و مراتب دوستی خود را با محبوبش تجدید می‌کند.

اگر گناहانی کرده آنها را بوسیلهٔ نماز پاک می‌کند و اگر چند قدمی از خدایش دور شده، بوسیلهٔ نماز بعدی به خدایش برمی‌گردد. خدای واقعی آنقدر رحمت و عطوفت دارد که باب توبه بر روی همه گشوده‌است. اگر انسان آلودگی پیدا کرد، راه بازگشت به پاکی و خدا باز است. حتی اگر توبه را شکست و باز آلوده شد، باز هم راه بازگشت دارد وباصطلاح: اگر صدبار توبه شکستی باز آی! خالق که در گرفتاریها وسختیهای زندگی، تکیه‌گاه انسان است.

اما بدبختانه دنیای امروز به تمایلات مذهبی جوانان نه تنها کار ندارد بلکه با انواع برنامه‌های انحرافی این حس را در میان جوانان از بین می‌برد. دنیای غرب آنطور که برای یک کالای صنعتی سرمایه گذاری کرده و اهمیت قائل می‌شود، برای تربیت

صحیح و پرورش حس مذهبی ارزش وارجی قائل
نمی‌شود.

7- تربیت فرزند بر اساس تربیت دینی

اولین نکته برای آرامش خانواده و دوری از
رفتارهای ناپسند جوان، شناخت روان جوان و
آگاهی از مقتضیات جوانی است. فرزند
جوان، مطابق میل طبیعی، عاشق استقلال و تشخص
است. می‌خواهد هرچه زودتر خود را از
محدودیت‌های دوران کودکی رها سازد و به
گروه بزرگسالان بپیوندد و مانند آنان مستقل باشد.
او خواسته خود را بر زبان نمی‌آورد! ولی اگر به
مقصود خود نائل نشود و به حق طبیعی خود، دست
نیابد، سرکشی و طغیان می‌کند، به کارهای غیر
عادی دست می‌زند، بد رفتار و تندخو می‌شود و با
زبان حال می‌گوید:

به شخصیت من احترام بگذارید! مرا مستقل و آزاد
بشناسید! با من همانند یک فرد بزرگ برخورد
کنید!

در سخن پیامبر 6 است که فرمود: «فرزند، هفت
سال آقا است. هفت سال بنده است و هفت سال هم
وزیر است.»

طفل هفت سال اول بر پدر و مادرش حکومت
می‌کند! زیرا فکرش نارسا و جسمش ناتوان است.
پدر و مادر باید با دیدهٔ رأفت به او نظر کنند
و ناچارند که خواسته‌های او را برآورده سازند.

در هفت سال دوم، تغییرات قابل ملاحظه‌ای در تن
و روان کودک پدیدمی‌آید. جسمش قوی می‌شود و
درکش رشد می‌کند و تا اندازه‌ای خویبها و بدیها را
می‌فهمد. لذا مورد مؤاخذه والدین و مربی و
آموزگار قرار می‌گیرد. و چون عقلش بخوبی شکفته

نشده و صلاح و فساد خود را به درستی تشخیص نمی‌دهد، پدر و مادر آمرانه به او تذکر داده و او باید فرمان والدین را اطاعت کند.

اما در هفت سال سوم نشانه‌های جوانی و بزرگسالی در او پدید می‌آید. لذا احساس مسئولیت می‌کند و در تدبیر زندگی همکار والدین می‌باشد.

از بکار بردن کلمهٔ وزیر چند نکته را می‌فهمیم:

الف - جوان تشخص طلب و استقلال جواست.

ب - نباید با او آمرانه برخورد کرد.

هیچ چیز بیش از حق رأی در تربیت آنان مؤثر نیست. باید در خانه و مدرسه به آنها حق اظهار عقیده داده شود. البته استقلال دادن به جوان به این معنا نیست که وی در تمام اعمالش آزاد باشد تا به میل خود به هر محیط فاسدی برود، زیرا جوان که

عقلش نسبت به احساساتش ضعیف است، همواره در معرض سقوط قرار دارد. جوان اغلب پایان کار رانمی بیند و از تشخیص بسیاری از بدیها و خوبیها عاجز است. پس مراد از وزیر بودنش آن است که هم شخصیتش مورد احترام باشد و هم اختیار صد در صد نداشته باشد، بلکه تصمیم نهایی با والدین است.

سختگیری بی مورد، زورگویی و ستم، تعدی و خشونت والدین نسبت به جوان یکی از دو نتیجه را به بار می آورد:

الف - جوان بر اثر فشارهای طاقت فرسای روحی و نظارتهای خسته کننده والدین، نیروی مقاوت خود را از دست داده و تسلیم شرائط موجود می شود. او اگر چه سازگار و سربزیر می شود ولی

استعدادهای خود را از دست می‌دهد و یک انسان
نالایق بار می‌آید.

ب - جوان در مقابل سختگیری‌ها می‌ایستد که در
نتیجه باعث اختلاف در خانواده می‌شود. عربده‌ها و
فریادها، تندی و خشونت، اشک و زاری، هیجان و
ناراحتی برنامه‌عادی چنین خانه‌هایی خواهد بود!

بعضی پدران بخاطر عقده‌ خود کم‌بینی، خشن و
تندخو هستند. برای ابراز قدرت در خانه، با اهل
منزل بدرفتاری می‌کنند، فریاد می‌کشند، دشنام
می‌دهند. گاهی بچه‌ها را کتک می‌زنند! و گاهی در
محیط منزل ایجاد رعب و هراس می‌کنند! لغزش یا
اشتباه کوچک را بزرگ تلقی کرده و چشم‌پوشی
نمی‌کنند. مثلاً پدر اگر بخواهد بخوابد، انتظار دارد
که همه‌اهل خانه ساکت باشند و اگر صدایی بلند
شود، طوفان پیا می‌کند! ولی اگر دیگران خواب

باشند، استراحت دیگران برایش ارزشی ندارد! کودکان این خانه‌ها بر اثر سختگیری بی‌مورد والدین، خشمگین و عصبی بار می‌آیند و همواره در خود احساس حقارت نموده و این‌حس بصورت عقده در آنها باقی می‌ماند!

البته تا کوچک هستند نمی‌توانند در مقابل رفتار خشن پدر نیرومند خود عکس‌العملی نشان دهند، اما زمانی که پا به سن جوانی می‌گذارند، برای اینکه در خانه بخاطر عقدهٔ حقارت خود، ابراز وجود کنند، کانون خانواده را به محل مشاجره و ناسازگاری تبدیل کرده و کار به آنجایی کشد که فرزند در مقابل پدر می‌ایستد! راه حل این معضل به دو طرف برمی‌گردد. دو طرف باید خودسری و لجاج را ترک کنند و از تمایلات نادرست خویش

چشم بیوشند تا بتوانند با همکاری یکدیگر مشکلات را حل کنند.

در بررسی روی 105 پسر و دختر جوان که خلاف بزرگی را انجام داده بودند، متوجه شدند که تقریباً 91 درصد جوانان مجرم از اخـتـلاـلات عاطفی شدید رنج می‌برند. یعنی هم از حیث عاطفی مورد بی مهری قرار گرفته بودند و هم احساس ناامنی و حقارت داشتند!

عکس العمل والدین در برخورد با خلاف فرزندشان!

چنانچه فرزند عمل خلافی را انجام داد چگونه باید با آن برخورد نمود؟ مثلاً خانمی در تماس با مشاوره اظهار داشت که مدتی است، متوجه شده که پسر دبیرستانیش استمناء می‌کند! تکلیف این مادر چیست؟ در پاسخ باید

گفت که مراحلی در برخورد با این خلافها وجود دارد که اگر رعایت شود شاید موفقیت آمیز باشد. یکی مسئله توجه به ازدواج جوانان است که در هنگام نیاز جنسی آنان، باید ب فکر راه و چاره بود و دیگری آشنا کردن آنها با حرام و حلال اسلام و اینکه این اعمال، چقدر زشت بوده و عواقب بد دنیوی و اخروی دارد و در غیر این دو مورد نیز باید مراحل تشویق و تنبیه برای ترک این اعمال انجام شود.

«در روایت است که پسران وقتی به شش سالگی رسیدند نباید در یک بستر بخوابند.»^{۵۴}

«کودکت را تا هفت سال آزاد بگذار سپس هفت سال مداوم با او کار تربیتی بکن. اگر به تربیت تن داد سعادت مند است والا در او خیری نیست!»

8- تأکید بر نماز خواندن فرزند

«وامر اهلک بالصلوة واصطبر علیها»^{۵۵} یعنی خانواده ات را امر به نماز نما و بر این مسئله مداومت کن.

مسئله نماز از مهمترین نشانه‌های تربیت صحیح است. در خانه‌ای که والدین نماز خوانده و تا کودک به سن بالا برسد مرتب او را به خواندن نماز امر می‌نمایند، امید به هدایت و سعادت فرزند هزاران بار بیشتر است تا خانه‌ای که اگر چه پدر

ومادر خود اهل نمازند ولی فرزندان خود را رها کرده‌اند و باصطلاح آنان را آزاد گذاشته‌اند تا خود مسیر درست را انتخاب نمایند و این بزرگترین اشتباه سرپرست خانواده‌است که نوجوانی را که اصلا نمی‌تواند خیر و صلاح خود را تشخیص دهد و از طرفی نماز زحمتی برای اوست، آزاد بگذارند به این امید که روزی برسد که خود نوجوان به نماز گرایش پیدا کند!

خداوند در قرآن کریم به پدران دستور می‌دهد که خود و خانواده‌خود را از جهنم نجات دهید:

«یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم واهلیکم ناراً وقودها الناس والحجارة» تحریم 6

ای مؤمنین! خود و خانواده‌تان را از آتش جهنم دور نگه دارید.

«رسول خدا(ص): در هفت سالگی فرزند را به خواندن نماز تمرین دهید و در ده سالگی در صورت نماز نخواندن، بر آنان سخت گرفته شود و حتی آنان را با زدن هم شده به نماز وادار کنید.»^{۵۶}

9- نظارت کامل بر معاشرت فرزندش

با چه کسانی دوست شویم ؟

: مولا علی (ع)

برترین دوست و برادر تو کسی است که در کار خیر سبقت گیرد و تو را هم به سوی خیر بکشاند ، و تو را به نیکی فراخواند و یاری کند.⁵⁷

: امام صادق (ع)

محبوبترین برادرانم نزد من کسی است که عیبهای مرا پیش من هدیه آورد (و آنها را به من گوشزد کند)⁵⁸

: حضرت محمد (ص)

همنشین شایسته همانند عطر فروش است ، اگر چیزی به تو ندهد بوی عطرش به تو خواهد رسید.⁵⁹

iqna.ir/00E3Ti

⁵⁶

⁵⁷ میزان الحکمة جلد 1 صفحه 57 حدیث 267
(. اصول کافی جلد 4 صفحه 452
⁵⁸

کنز العمال جلد 9 حدیث 24676
⁵⁹

: مولا علی (ع)

بهترین برادران تو کسی است که با راستگویی خود تو را به راستگویی دعوت کند و با اعمال نیک خود تو را به بهترین کارها فرا خواند⁶⁰

: مولا علی (ع)

بهترین دوست تو کسی است که تو را شیفته آخرت کند ، و نسبت به دنیا بی رغبت کند و تو را در فرمانبرداری از خدا کمک کند.⁶¹

با چه کسانی دوست نشویم ؟

هر زمان امیر مومنان علی (ع) به منبر می : امام صادق (ع) فرمود رفت ، می فرمود : شایسته است مسلمان از رفاقت با سه نفر دوری کند : پر روی بی باک تبهکار ، احمق و دروغگو⁶²

: مولا علی (ع)

بدترین دوستان کسانی اند که هنگام آسایش پیوند دارند و هنگام گرفتاری جدا می شوند⁶³

: رسول خدا (ص)

از همنشینی با دوست بد پرهیز ، چون تو با او شناخته می شوی

: امام باقر (ع)

با چهار شخص معاشرت و دوستی نکن : احمق ، بخیل ، ترسو و دروغگو . زیرا شخص احمق می خواهد به تو سود رساند ولی صدمه می زند ، و آدم بخیل و تنگ نظر از تو میگیرد امام به تو پس نمی دهد ، و ترسو از تو و پدر و مادرش فرار میکند و دروغگو اگر راست بگوید کسی باور نمی کند⁶⁴

⁶⁰ . غررالاحکم جلد 3 صفحه 434

⁶¹ غررالاحکم جلد 3 صفحه 436

• اصول کافی جلد 4 صفحه 453

⁶²

⁶³ . غررالاحکم جلد 4 صفحه 171

• خصال شیخ صدوق جلد 1 صفحه 244

⁶⁴ . کنز العمال جلد 9 حدیث 24844

: امام صادق (ع)

پرهیز از اینکه دوستی کنی با کسی که برای طمع و ترس یا هوای نفس و خوردن و آشامیدن رو به تو می آورد و در جستجوی دوستی با پرهیزگاران باش⁶⁵

: مولا علی بن ابیطالب (ع)

بدترین دوستان کسانی اند که هنگام آسایش پیوند دارند و هنگام گرفتاری جدا میشوند. غرالحکم جلد 4 صفحه 171 هم نشینی با بدان مایه بدگمانی به خوبان : مولا علی (ع) است.⁶⁶

کدام دوست بد است ؟ : از امیرالمومنین مولا علی (ع) سوال شد فرمود : کسی که معصیت خدا را برای تو زیبا جلوه دهد. بحارالانوار جلد 74 صفحه 190

10- نظارت بر استفاده فرزند از رسانه های صوتی

و تصویری و رایانه و استفاده از موسیقی مبتذل

و شرکت در پارتی های منحرف کننده

1- «پیامبر اسلام (ص): غنا (موسیقی حرام) پلّه کان زنا

است.»

2- «امام صادق علیه السلام

: خبیث ترین مخلوق خدا، غنا (موسیقی حرام) است. و بد

⁶⁵ بحارالانوار جلد 74 صفحه 282

⁶⁶ بحارالانوار جلد 74 صفحه 191

ترین مخلوق خدا غنا است که باعث فقر و نفاق می شود.»

3- «امام صادق علیه السلام: خانه ای که در آن غنا (موسیقی حرام) باشد، از فاجعه ایمن نمی باشد و دعا در این خانه مستجاب نمی شود و ملائکه به این خانه وارد نمی گردند.»

10- «امام خمینی: از جمله چیزهایی که مغز جوانها را تخدیر می کند، موسیقی است... انسان را از جدیت بیرون می برد. یک جوانی که عادت کرده روزی چند ساعت را با موسیقی سروکار داشته باشد، از مسائل جدی به کلی غافل می شود.»

ضعف اعصاب و اختلال حواس و بی ارادگی از عوارض موسیقی

«دکتر ولف آدلر، پروفیسور دانشگاه کلمبیا می گوید: بهترین و دلکش ترین نواهای موسیقی، شوم ترین آثار را روی سلسله اعصاب انسان باقی می گذارد.»

«دکتر آلکسیس: اصولاً شنیدن موسیقی و کنسرت، در اعصاب اثر تخدیری ایجاد می کند. این اثر گاهی آنچنان شدید است که شنونده رامانند افراد بهت زده می سازد و لذت فوق العاده ای که افراد از آن می برند از همین اثر تخدیری است و روشن است که اینگونه تخدیرها زیانهای فراوانی دارد و اگر شدت یابد گاهی ممکن است عقل و اندیشه را اسیر جاذبه آهنگهای تند موسیقی کند و دیگر نتواند خوب و بد را از هم تشخیص دهد و بی پروا دست به حرکات و اعمال ناشایست بزند و در آن حال نتواند به عواقب وخیم آن بیاندیشد.»

گاهی موسیقی باعث جنایت می‌شود.

11-جدیت در امر ازدواج فرزندان

«رسول خدا(ص):اگر فرزند خواستار ازدواج باشد
وپدر توانائی مخارج ازدواج اورا دارد ولی امتناع کند
وفرزند مجردش به معصیت وگناه
آلوده‌شود،معصیت اورا در نامهٔ عمل پدرش
می‌نویسند.»

12-جدیت در امر یاددادن قرآن و آداب اسلامی

مانند:

آداب معاشرت، آداب خُردن
و آشامیدن، آداب ازدواج، آداب تجارت
ومعاملات، تاریخ اسلام و تاریخ ایران و صدها مورد

اطلاعات مفیدی که براساس آنها، اعتقادات و روش زندگی فرزندان بنا نهاده می‌شود.

«یکی از مؤمنین می‌گفت که وقتی ما بچه بودیم در روستا زندگی می‌کردیم، پدرمان ملایی را از شهر آورد و خرج مسکن و غذا و حقوقش را به عهده گرفت تا او در چندماه بما قرآن بیاموزد. او هم این کار را انجام داد و ما دوبرادر قرآن را در کودکی فرا گرفتیم»

13- رعایت پوشش کامل در موقع عمل زناشوئی

«مشاهده عمل زناشوئی والدین، پوشش نامناسب محارم و... از عوامل انحراف فرزندان است.»

«جوان 27 ساله‌ای که پس از سرقت

جواهرات و ربودن دختر چهارده دختـــــر

خردسال و تجاوز به برخی از آنان دستگیر شده بود، پس از محاکمه در دادگاه 142 کیفری یک تهران، به دو بار اعدام و سه سال زندان و تعزیر و پرداخت مهرالمثل محکوم شد.

بر اساس تحقیقات بازپرس، این جوان دارای انحرافات اخلاقی بوده و بر اساس اعترافات خودش، در گذشته، وی بارها مورد سوءاستفاده افراد قرار گرفته است.

به گزارش خبرنگار قضایی، دستگیری متهم به دنبال اعلام شکایت بستگان یک دختر هشت ساله به مأموران حوزه انتظامی 28 تهران صورت گرفت. با طرح این موضوع، پرونده‌ای در دادسرا تشکیل شد و بازپرس دستور داد در این باره بیشتر تحقیق شود.

مأموران با کمک دختر بچه به محل رفتند
و پس از چند روز پیگیری، خانۀ «مصطفی» را
شناسایی و او را دستگیر کردند. متهم در بازجویی
به ربودن چهارده دختر بچه و سرقت طلاهای
کودکان معصوم و تجاوز به برخی از آنان
اعتراف کرد.

این جوان منحرف، در بیان علل انحراف
اخلاقی خویش گفت: در خانواده من مسائل خلاف
زیادی وجود داشت، به طوری که
من ارتباطهای آمیزشی و روابط جنسی پدر
و مادرم را مشاهده می‌کردم و آنها ابایی از این
موضوع نداشتند! پدر و مادرم، بعضی وقتها بدون لباس
در برابر من ظاهر می‌شدند و این مسائل مرا تحریک
می‌کرد و به انحراف اخلاقی سوق می‌داد...

طبق نظر صریح کارشناسان روانشناسی کودک، تماشای صحنه های مهیج جنسی، چه در خانواده و چه در فیلم های سینمایی و... مانند دادن چلوکباب به یک نوزاد است، چرا که با این تحریکات، کودک در معرض بلوغ زود رس قرار می گیرد و حساسیت و کنجکاوی او را به روابط بزرگترها بویژه پدر و مادر بر می انگیزد. و از این جاست که زمینه های انحراف اخلاقی کودکان و نوجوانان آغاز می گردد.»

14- شرکت در نماز جمعه و جماعت و مراسمات

دینی به همراه فرزندان

پدرانی که خود در مجالس معنوی شرکت می کنند و فرزندان خود را نیز به همراه می برد، می تواند امیدوار باشد که آینده فرزندان، از نظر دوری از

انحرافات اخلاقی، آئینده سالمی خواهد بود. ولی پدرانیکه خودهیچگاه پا به مسجد و عبادتگاه الهی نگذاشته اند و غرورشان اجازه نمی دهد که در مقابل پروردگارشان سجده نمایند، چگونه امید دارند که فرزندان خوبی و سالمی تربیت کنند؟ مسجد محلی است که در آن انسانهای والا تربیت می شود.

مسجد سنگر اسلام است. مسجد محل ملاقات مؤمنین و وحدت و صمیمیت آنان است. اگرچه گاهی افراد منافق هم در مسجد پیدامی شوند یا افرادی که از شرکت در مسجد مقاصد شومی را در ذهن دارند ولی اکثر نمازگزاران کسانی هستند که بدون قصد دنیایی و فقط برای اطاعت از خدایشان در مسجد و مراسمات مذهبی حضور پیدامی کنند و خداوند هم طبق وعده هایی که داده است در دنیا و آخرت از آنان حمایت می کند:

«ان الله يدافع عن الذين آمنوا» حج 39

خداوند از مؤمنین دفاع خواهد کرد.

فصل چهارم:

وظایف شوهر نمونه

شوهر با داشتن بار مسئولیت سرپرستی خانواده، در عین حال شریک و یاور همسرش نیز می‌باشد. لذا باید برای تداوم و استحکام خانواده خود به مسئولیتهای زیر عمل کند.

1- تهیه نیازهای روزانه غذایی و پوشاکی و مسکن

همسر

2- خوش اخلاقی با همسر.

چونکہ پیوند شد، به نازش دار بر سر خانہ سرفرازش
دار

تو در آیی ز در سلامش کن او در آید، تو احترامش کن

هر زمانش به دلنوازی کوش وقت خلوت به لطف
وبازی کوش

صاحب رخت و چیز دار او را پیش مردم عزیز دار
اورا

از سخنهای خوب و گفتن خوش به نماز و به طاعتش
در کش «او حدی مراغہ ای»

عاقبت بد اخلاقی با همسر

سعد بن معاذ، از فرماندهان سپاہ اسلام

، بشہادت رسید، رسول خدا (ص) تشییع با شکوہی از
او بعمل آورد و خود شخصا اورا دفن نمود.

بعد از دفن، مادر سعد خطاب به قبر گفت: ای

سعد! بهشت بر تو گوارا

باد! رسول خدا (ص) فرمود: این را

نگو! گفت: چرا؟ فرمود: او الان فشار قبر

سختی دید! سؤال کردند: برای چه؟ فرمود: او با

خانواده خود بد اخلاقی

می کرده است!

«پیامبر (ص): بهترین مردان امت من کسانی هستند

که به اهل خانه خودستم نمی‌کنند و بر آنها رحم

آورند و به آنها ظلم ننمایند»

3- اشتباهات همسر را نادیده بگیرد.

«اسحاق بن عمّار از امام ششم علیه السلام

پرسید: حقّ زن بر شوهر چیست؟

امام فرمود: مرد باید شکم همسرش را سیر کند. بدنش را بپوشاند. اگر نادانی کرد از او بگذرد. ابراهیم خلیل از تند خوئی ساره به خداوند شکایت کرد! خدا به او وحی کرد: زن همانند استخوان دنده است! اگر بخواهی راستش بکنی، می شکند و اگر با او همچنان مدارا کنی، از او بهره مند می شوی!»

4- شبها وی را رها نکند

5- حداقل چهار ماه یکبار زن حق همبستری دارد. به

این حق عمل کند

6- قسمتی از شبانه روز را به همسرش اختصاص

بدهد.

«رسول خدا(ص): مردی که کنار همسرش
بنشیند، در نزد من از اعتکاف در مسجدم بالاتر
است.»

7- مطیع زنش نباشد و بر حضور زن در بازارها
و پاساژها نیز حساس باشد.

«علی علیه السلام خطاب به اهل بصره! آیا
حیا ندارید؟ آیا غیرت ندارید در حالیکه زنانتان به
بازارها رفته و جوانان خوش قیافه
مزاحم آنان می شوند؟»

«علی علیه السلام: کسیکه از زنش اطاعت
کند، خداوند او را با صورت در آتش بیاندازد! گفته
شد: در چه چیزی اطاعت کند؟ فرمود: زن از
شوهرش اجازه می خواهد که به حمام - عمومی -

وعروسی و مجالس عزا برود و یا لباس نازک داشته
باشد و شوهر به او اجازه می‌دهد!»

سفارشات اسلام دربارهٔ زنان

اول: «عاشروهنّ بالمعروف» «نساء 19» یعنی با خوبی
بازنان معاشرت کنید.

مطلب فوق شامل مشارکت مرد با همسرش در
خدمات خانه و استحباب وسعت در خریدنی
و آشامیدن و مسکن و لباس و دادن هدایای
خوب دربرگشت از سفر و در اعیاد و گذشت از
خطاهایش و اینکه مردهم بالباس خوب و بوی خوش
با همسرش روبرو شود و عدالت در بین زنان
اگر چند همسری باشد و... می‌شود.

دوم: «ولا تُضارّوهنّ لتضيّقوا عليهنّ» «طلاق، 6 و» ولا
تعضّلوهنّ لتذهبوا ببعض ما آتيتموهنّ» «نساء 16»
یعنی برای اینکه مجبور شوند از حق خود دست
بردارند به زنها سخت گیری نکنید و اذیت نرسانید.

از امام صادق علیه السلام روایت شده که علت نزول
آیه فوق آن بود که گاهی مردی عیال خود را می زد
تا زن همه حقوق خود را اعم از مهریه و مخارج عدّه
و غیره را حلال کند.

سوم: «فإن ارضعن لكم فآتوهنّ
أجورهنّ» «طلاق 6» یعنی هرگاه زنان شما بچه های
شمارا شیر می دهند، می توانند از شوهر مزد
بخواهند.

چهارم: اسلام سفارش کرده که برای حضانت
و نگهداری اولاد مادران سزاوارترند و زن می تواند

دختر راتاً هفت سالگی وپسر را تا
دوسالگی خود بزرگ نماید.

پنجم: «وَأْتِيْتُمْ أَحْدَاهِنَّ قَنْطَاراً فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ
شَيْئاً» «نساء 20» یعنی مهر زن را باید مرد بدهد حتی
اگر مهریه پوست گاوی پر از سکه طلا باشد!

ششم: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ
أَجُورَهُنَّ» «نساء 25» یعنی باید مرد، نفقه همسرش را
بدهد.

هفتم: «وَأَنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِ
وَحِكْمَةٍ مِنْ أَهْلِهَا أَنْ يَرِيْدَا إِصْلَاحًا يَوْفُقُ اللَّهُ
بَيْنَهُمَا» «نساء 35» یعنی در صورت بروز اختلاف بین زن
و مرد باید یک نفر از فامیل مرد و یک نفر از فامیل
زن، جلسه بگیرند و اختلاف بین این دو را حل کنند.

هشتم: «فامساک بمعروف او تسریحٌ
باحسان» بقره 229، یعنی با زنان خوش رفتاری بنمائید
واز آنها ننگه داری کنید واگر می خواهید
طلاق بدهید به آنها ظلم نکرده وحق آنها را بدهید.

نهم: «واللاتی تخافون نُشوزهنّ فعظوهنّ واهجروهنّ
فی المضاجع واضربوهنّ فان اطعنکم فلا تبغوا علیهنّ
سیبلاً» نساء 34، یعنی اگر زنان از شوهر اطاعت
نکردند وناشزه شدند، آنها را نصیحت کنید واگر باز
هم تمکین نکرد، در رختخواب به او پشت کنید واگر
باز هم عصیان نمود، آنها را (باچوب مسواک) بزیند!

دهم: «علی علیه السلام: زن ریحانه است نه
قهرمانه! پس با او در هر حالی مدارانما ومصاحب
خوبی با او باش تا زندگیت صفا یابد.»

یعنی باید با زن با کمال احترام واحترام رفتار کرد
وبوئیدانه آنکه در زیر دست وپا نرم کرد وکوبید!

یازدهم:طبق روایتی از رسولخدا(ص) به زنان اجازه داده شده که اگر شویش به او نفقه نداد، بدون اجازه او باندازه مخارج از اموالش بردارد.

دوازدهم:جهاد را از زنان برداشته وبجایش آنها را به حجاب،نقاب،سترو عفاف وحمل ورضاع .تمشیت وتدییر منزل فرمان داده است.که رسولخدا(ص)فرمود:جهاد زن خوب شوهرداری کردن است.

سیزدهم:در احکام نسبت به زنان تسهیلاتی در نظر گرفته که در هیچ دینی این چنین نیست.از جمله قبول توبه زن مرتد، تسهیل در تطهیر بول کودک در حال شیرخوارگی، اجازه خوردن روزه در رمضان نسبت به زن حامله یا شیردهنده، اینکه مسجد زن خانه اش است، نفقه فرزندان بر مرد است نه زن و...

چهاردهم: زن با تقوا و مؤمنه و صالحه بر مردان بی تقوا برتری دارد.

پانزدهم: سفارش به اینکه دختر را به هم شأنش شوهر بدهید و به آدم فاسق و بی نماز و بی دین شوهر ندهند که پیامبر فرمود: کسیکه دخترش را به شرابخوار شوهر بدهد، گویا او را به زنا و ادار کرده است.»

8- به زنش فخر فروشی نکند.

«ان الله لا يحب كل مختال فخور» لقمان 18

خداوند هر متکبر فخر کننده را دوست ندارد.

مسئله فخر فروشی زن و مرد نسبت به هم از معضلات بعضی از خانواده‌ها می‌باشد. مثلاً مرد مدرک دانشگاهی دارد یا ثروت زیادی دارد یا اینکه امتیاز اجتماعی دیگری دارد و مرتب این امتیازات را

به رخ زن می‌کشد همچنین اگر زن فخر فروشی کند
چنانچه در یکی از پرونده‌ها که زن لیسانس و مرد
پنجم ابتدایی بود، زن در مسئله‌ای به
شوهرش گفت: تو که باندازه پنجم ابتدایی بیشتر
نمی‌فهمی چه می‌گوئی؟

و این فخر فروشی‌ها مقدمات اختلاف بین زن
و شوهر است.

فصل پنجم:

فرزندان نمونه

فرزندانی که با والدین خود زندگی می‌کنند
باید دارای ویژگی‌های زیر باشند تا بتوانند به
مسئولیت‌های خود عمل نمایند:

1- تکریم و احترام پدر و مادر

پدر و مادر علّت ظاهری بدنیا آمدن هر
انسانی هستند لذا خداوند که علت اصلی وجود هر
شخصی است، فرموده است که:

«واز بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که فقط الله را
پرستند و به والدین نیکی کنند» بقره 83

«بگو انفاق آن است که صرف پدر و مادر و فامیلهای
انسان شود.» بقره 215

«خدارا عبادت کنید و برایش شریک نگیرید و به
والدین نیکی کنید» نساء 36

«نباید برای خدا شریک بگیرید و باید به پدر و مادر
نیکی کنید» انعام 151

«ابراهیم گفت: خدای ما! مرا و پدر و مادرم و مؤمنین
را بیا مرز» ابراهیم 41

«خدا دستور داد که او را به یگانگی پرستید و به
پدر و مادر نیکی نمائید.» اسراء 23

«خدا در مورد یحیی فرمود: او به پدر و مادرش نیکی
می کرد» مریم 14

«عیسی گفت: من به مادرم نیکی می کنم» مریم 32

«ما به انسان وصیت کردیم که به پدر و مادرش
نیکی بکند» عنکبوت 8

«و آدمی را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم -
مادرش او را در ناتوانی حمل کرد و دو سال او را
شیر داد - که مرا و پدر و مادرت را شکر نما» لقمان 14

«نوح گفت: خدایا! مرا و پدر و مادرم و هر مؤمنی که به
خانه ام می آید را بیا مرز» نوح 28

که خداوند در بعضی از این آیات بعد از
توحید، احترام به پدر و مادر را ذکر فرمود.

نیکی به پدر و مادر آثار سازنده ای در جامعه دارد. از جمله این آثار میتوان به مستحکم شدن کانون خانواده ها و در نتیجه به استحکام جامعه منجر می شود، اشاره کرد.

از نظر روانی نیز فرزندان این خانواده ها در سلامت و آرامش خوبی هستند.

همچنین نیکی فرزندان به والدین باعث نیکی فرزندانشان به آنها می شود.

«پیامبر (ص): به والدین خود احترام بگذارید تا فرزندان شما هم بشما احترام بگذارند»

رضایت والدین از فرزندان مؤمن باعث رضایت خدا می شود. و از جمله دعاهای مستجاب، دعای پدر برای فرزند صالح است.

بادعای پدر، علامه شد!

«پدر علامه مجلسی بنام حجۀ الاسلام محمدتقی مجلسی شبی در سحر مشغول مناجات بود. ناگاه احساس کرد که در این حالت دعایش مستجاب است. بفکر فرو رفت تا چه دعائی بکند. در این حال گریه پسرش محمد باقر بلند شد. پدر دعا کرد که خدایا! پسر مرا فقیه قرار بده!

این پسر بزرگ شد و از فقهای بزرگ اسلام گردید.»

نگاه با محبت به والدین نیز علاوه بر آثار مثبت دنیوی، ثواب اخروی نیز دارد. حتی برای هر بار نگاه با محبت به والدین اگرچه بارها تکرار شود ثواب یک حج مستحبی نوشته می شود.

کسیکه گناهی مرتکب شود چنانچه پشیمان شده باشد، بهتر است برای مقبول شدن توبه خود، به والدین خود محبت نماید.

همچنین نیکی به والدین باعث تقرب الی الله می گردد.

نیکی به مادر اورا هم ردیف موسی علیه السلام کرد.

روزی موسی علیه السلام از خدا خواست که همنشین اورا در بهشت به او نشان دهد.

خدا به او وحی کرد که همنشین تو در بهشت فلان مرد قصاب است 0 حضرت موسی علیه السلام سراغ قصاب مذکور رفت و به او گفت که آیا مهمان نمی خواهی؟ قصاب جواب داد چرا می خواهم. او حضرت موسی علیه السلام را بخانه خود برد 0 حضرت موسی علیه السلام که او را زیر نظر داشت دید که ابتدا از زنبیلی پایین آورد که در آن پیرزنی فرتوت بود 0 جوان دست و صورت پیرزن را شست و به او غذا داد. بعد دوباره اورا در زنبیل گذاشته و در حالیکه لبهای

پیرزن حرکت می کرد، زنییل رابه سقف
آویزان کرد. سپس قصاب برای موسی علیه السلام
غذا آورد. بعد از صرف غذا، موسی علیه السلام از
قصاب پرسید: این پیرزن کیست؟

گفت: مادرم است که چون خدمتکاری ندارم، خودم
اورا تروخشک می کنم. موسی علیه السلام
پرسید: وقتی می خواستی مادرت را در زنییل
بگذاری اوچه گفت؟

گفت: هرگاه اورا تروخشک می کنم درحق من دعا
می کند و می گوید: خدا تورا با موسی در بهشت
همنشین کند.

بزرگان دین به کسانیکه نسبت به والدین خود
احترام می گذاشتند، با احترام برخورد می نمودند
و نسبت به کسانیکه به والدین خود جفا می نمودند، با
خشم و یا بی اعتنائی برخورد می کردند.

«وقتی خواهر رضاعی پیامبر به دیدن حضرت آمد، پیامبر برای او احترام فوق العاده ای گذاشتند ولی وقتی برادر رضاعی پیامبر آمد حضرت مانند خواهرش به او احترام نکردند. اصحاب علت را پرسیدند. حضرت فرمود علت بیشتر احترام کردن من به خواهر رضاعی این است که او به پدر و مادرش زیادتر نیکی می کند.»

محبت باعث مسلمان شدن

«زکریا که مسیحی بود، مسلمان و شیعه شد. امام صادق علیه السلام به او سفارش کرد که اگرچه پدر و مادرت مسیحی هستند ولی احترام به آنها را ترک نکن! وقتی زکریا بیشتر از قبل به پدر و مادرش نیکی می کرد، مادرش از این برخوردار شد و خوشحال شد و تمایل پیدا کرد که او هم مسلمان شود. او از پسرش خواست که شهادتین را به او یاد

دهد تا او هم اسلام بیاورد. و این چنین بود که با
برخورد اسلامی، مادر زکریا اسلام آورد.

مادر بردوش!

«گویند شخصی مادر خود را بر دوش گرفته بود
و او را طواف کعبه می داد. سپس خدمت پیامبر آمد
و گفت: آیـــــا حـــــق او را ادا
کردم؟ حضرت فرمود: هرگز! و این محبت تو، حتی
در برابر یک ناله او در هنگام وضع حمل نخواهد
بود.»

امام حسین علیه السلام به جوان تبسم نمود!

«یکی از علماء وقتی در کربلا بود و به حرم رفت
و آمد می کرد، متوجه شد که جوانی با حضرت امام
حسین علیه السلام ارتباط معنوی دارد. از او
جریان را پرسید. جوان گفت خانه ما در چند

فرسخی کربلا است. مدتی بود که هر شب جمعه بنوبت پدر و مادرم را به کربلا برای زیارت می آوردم. شب جمعه ای باران می آمد و بنا بود که پدرم را سوار الاغ کرده و به کربلا بیاورم. همینکه عازم شدیم، مادرم از من خواست که او را هم بیاوریم. با اصرار مادرم، او را را بر کولم سوار کردم و با پدرم هم سوار الاغ بود، در زیر باران با زحمات زیادی به حرم مشرف شدیم. وقتی وارد صحن حضرت شدیم، دیدم که امام علیه السلام در ضریح ایستاده و بمن تبسم می کند. و این حالت هر شب جمعه تکرار می شود.»

از طرفی اذیت رساندن و حتی نگاه با خشم به پدر و مادر نمودن باعث خشم خداوند می شود. در روایت است که اگر با عصبانیت به والدین نگاه کنید

حتی اگر آنها به او ظلم کرده باشند، باعث عدم
قبولی نماز می شود.

«ابامهزم گوید که: شبی از حضرت باقر علیه السلام
خداحافظی کردم و بامادرم به منزلمان می رفتیم، در
راه با مادرم دعوا مان شد و من به او
تندی کردم، وقتی فردا خدمت امام رفتم ناگاه
فرمود: ای ابامهزم! دیشب بین تو و مادرت چه
گذشت؟ آیا او تو را در شکمش حمل نمود و از سینه
اش تو را شیر نداد و تو را در دامنش بزرگ
نمود؟ دیگر این عمل را تکرار نکن.»

گاهی مجازات اذیت کردن والدین در همین دنیا
ظاهر میشود.

جوان با نفرین پدرش شد!

روزی علی علیه السلام در حال طواف بود که صدای
التجاء و مناجات و التماس جوانی را شنید. امام از او
درباره گرفتاریش سؤال کرد.

او گفت: من سالم بودم ولی آنقدر پدرم را اذیت
نمودم که او مرا نفرین کرد و من فلج شدم. پدرم
تصمیم داشت تا روزی به کنار کعبه بیاید، و برای
شفایم دعا کند ولی قبل از این کار، از دنیا رفت. حال
من مانده ام این پاهای شل!

امام به او دعای مشلول را یاد دادند که آنرا
بخواند. او این دعا را خواند و پیامبر را در خواب دید
که حضرت دستی بر پاهای او کشید و او شفایافت.

«امام چهارم دیدند که نوجوانی بنحو بی ادبانه ای به
پدرش تکیه کرده است. بعد از این امام هیچگاه با
آن جوان صحبت نکردند تا جوان از دنیا رفت.»

مرحوم کافی و پدر

«مرحوم کافی می گفتند: هرگاه پدرم که یک نفر کاسب ساده ای است، به تهران می آید یا من به مشهد می روم، در جلو زن و بچه و برادر و خواهر خم می شوم و مکرر دست پدرم را می بوسم.»

جوان زبانش لال شد!

«روزی پیامبر بربالین جوانی که در حال احتضار بود، حاضر شد. وقتی شهادتین را به او تلقین نمود، جوان نتوانست زبانش را به شهادتین باز کند و گویا لال شده بود. حضرت، مادرش را خواستند. و از مادرش پرسیدند که آیا از پسرت راضی هستی؟ زن گفت: یا رسول الله! چهار سال است که باو حرف نزده ام!

پیامبر از او خواستند که از فرزندش راضی شود. او هم راضی شد و جوان زبانش باز گردید و شهادتین را جاری کرد و از دنیا رفت»

عاق والدین

«پیامبر(ص): بوی بهشت از مسیر پانصدسال راه بمشام می رسد ولی بمشام عاق والدین نمی رسد.»

قصری که ویران گردید!

«ملا علی کازرونی شبی در خواب دید که قصری با عظمت در باغی

قرار دارد. از صاحب قصر سؤال کرد. گفتند: مال فلان نجّار شیرازی است. ناگاه صاعقه ای آمد و قصر را تبدیل به خاکستر کرد.

روز بعد ملا علی کازرونی سراغ نجار رفت و گفت: دیشب چه کار کردی؟ گفت: هیچ! ملاّ اورا قسم

داد. نجار گفت: شب قبل با مادرم دعوا کردم و کار به
زدن و کتک کاری کشیدم.»

سفر غیر ضروری فرزند با مخالفت پدر یا مادر
ممنوع بوده و سفر معصیت حساب می شود.

همچنین با پدر و مادر بلند صحبت کردن بی
ادبانه، جلوتر از آنان راه رفتن، به آنها اُف
گفتن، آنها را تحقیر کردن و.. در اسلام ممنوع است.

«روزی یکی از وزرا با پدرش خدمت
امام خمینی (رض) رسید و خود جلوتر رفت و دست
امام را بوسید سپس پدرش را معرفی
کرد. امام امت به او فرمود: چرا جلوتر از پدرت راه
رفتی؟»

«فرزندان باید کمک کار پدر و مادر در امور
مختلف خانواده باشند.»

توفیق اجباری در نیکی به والدین

«عیید زاکانی از شعرای ایران، چهار پسر داشت که به او که وضع نابسامان مالی داشت، کمک نمی کردند. روزی عیید تصمیمی گرفت و پسرانش را جداگانه خواست و به هر کدام گفت: من خمره طلائی پنهان کرده ام که در نظر دارم بعد از مرگم بتو برسد! پسرها با شنیدن این سخن، رفتارشان با پدر عوض شد و همه روزه برای او آذوقه می آوردند.

عیید تا آخر عمر زندگی خوشی داشت. اما وقتی بعد از مردن عیید به محل خمره رفتند، دیدند که فقط کاغذی در خمره است که بر روی آن نوشته شده است:

خدا داند و من دانم و تو دانی که فلوس هیچ ندارد عیید زاکانی! از نظر اسلام چنانچه والدین نیازمند

و فرزندانش را متمکن باشند، واجب است که مخارج پدر و مادرشان را بدهند.

حقوق والدین بر فرزندان فقط مربوط به زمان حیات آنان نمی شود و باید بعد از رحلتشان نیز همواره ب فکر آنان بوده و برای ایام برزخ مرتب آذوقه های معنوی از قبیل نماز قضاء، صدقات، کارهای خیر بنیت آنان و پاک کردن بدهکاریهای آنان فرستاد.

متأسفانه در فرهنگ ما طوری عمل می شود که واجبات فدای مستحبات می گردد. کسیکه از دنیا می رود بجای اینکه واجبات او را که دستش از دنیا کوتاه شده ادا کنند و مخصوصاً حق الناس اگر بر اوست ادا کنند، ب فکر غذا دادن و گاهی خود نمائی های ضرر آور می افتند. چندین روز بستگان عزادار میت سفره می اندازند و پولهایی که گاهی با عدم رضایت قلبی تهیه شده صرف امریکه حتی

استحباب آن ثابت نشده می نمایند. گاهی مخارج آنچنان بالاست که تا مدت‌ها زیر بار قرض می روند. حال آنکه در سنت اسلام وارد شده که تاسه روز مردم برای تعزیت و تسلیت به دیدن اقوام میت بروند و موقع غذا که می شود، همسایگان و فامیله‌ها، برای بستگان درجه اول میت غذا ببرند.

و اگر بخواهند در حق میت خوبی کنند باید ابتدا بدهکاریهای مالی او را پاک کنند. سپس نمازها و روزه‌ها و حج‌هایی که بعهده داشته بطریقی ادا نمایند. سپس ارث را طبق شریعت اسلام تقسیم نمایند و اگر می‌خواهند پولی برای او صرف کنند خرج کارهای دائمی مثل چاپ کتب مفید، ساختن مدرسه و درمانگاه و بیمارستان و مسجد و حوزه علمیه و کتابخانه و... نمایند.

امام پنجم علیه السلام: سرور و آقای نیکان

در قیامت، شخصی است که

بعد از رحلت پدر و مادرش، نیز به آنان نیکی کرده

است-انان را فراموش ننموده است-.

«شخصی به پیامبر(ص) گفت: نذر کرده‌ام آستانه

بهشت را ببوسم. حال چه کنم؟ فرمود: پای مادر

و پیشانی پدر را ببوس تا به نذرت عمل

کرده باشی. و اگر از دنیا رفته‌اند، قبر آنان را ببوس.»

«امام سجاد علیه السلام به پسرش: دقت کن و ببین

آیا احدی از انسانها را می‌توانی پیدا کنی که از نعمت

پدر و مادرت برایت مهمتر و بیشتر باشند.»

«در روایات ما از رسول خدا(ص) و علی مرتضی علیه

السلام بعنوان والدین معنوی شیعیان نام برده شده

است که اهمیتشان از والدین جسمی
بیشتر می باشد.»

احترام به سالمندان

در مکتب اسلام برای سالمندان جایگاه
ویژه‌ای در نظر گرفته شده است. در سوره اسراء
آمده است:

إِذَا يَبْلُغَنَّ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا
فَلَا تَقُلْ لَهُمَا فُءٍ وَلَا تَنْهَرَهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا
مَعْرُوفًا

اگر یکی از والدینت یا هر دوشان
به سالخوردگی رسید پس مبدا به آنهاحتی
أف بگویی و آنها را نرنجان و با آنان با خوبی حرف
بزن.

این یکی از آزمونهای الهی است که گاهی خداوند بوسیله پدر یا پدر بزرگ و یا مادر و یا مادر بزرگ سالخورده و ناتوان از فرزندان و نوه هایشان بعمل می آورد. که چگونه وجود اینها را تحمل می کنند. البته در کشور ایران در اکثر خانواده ها، بخاطر خوی ایرانی و اسلامی بودن برای پیران بعنوان بزرگان فامیلا احترام خاصی قائلند و از آنها خوب مواظبت و پذیرائی می نمایند.

سالخوردگان در این ایام به احترام بیشتری نیاز دارند. آنها بخاطر اینکه دیگر از کار و تلاش بازنشسته شده اند گاهی در خود احساس تنهایی می نمایند لذا باید با آنها بیشتر گرم گرفت و با تحمل و صبر به سخنان آنان گوش داد مخصوصا اگر دچا نقص در حواس پنجگانه هستند باید

بیشتر به آنها رسیدگی نمود. و حتی غرغریهای آنان را تحمل نمود.

«امام ششم علیه السلام: ای میسر! اگر می خواهی عمرت زیاد شود به پدر و مادر پیرت نیکی کن.»

و لازم نیست که سالمند از بستگان انسان باشد. بلکه باید به هر پیر مسلمانی احترام گذاشت.

«رسول خدا صلی الله علیه و آله: کسیکه پیر مسلمانی را احترام کند از فزع اکبر قیامت در امان خواهد بود.»

اما عده ای از فرزندان هستند که اجر و ثواب ننگه داری از پیران رافراموش کرده و آنان را به طرق مختلف اذیت می کنند. به آنان بی اعتنائی نموده و آنها را وبال گردن خود و یک عضو اضافه خانواده فرض می کنند که این برخوردها ضربات سختی بر

روح و روان پیران وارد گرده و گاهی باعث مرگ
زودرس آنان و باصطلاح دق مرگ شدنشان
می‌شود. که باید عاملین این اذیت و آزارها در انتظار
عذاب دنیوی و اخروی الهی باشند.

«گویند وارثین شخصی برای پدرشان خیرات
و مبرات نمی‌کردند. نصیحت کننده‌ای به آنان گفت
که اگر برای پدرتان کارهای خیر نکنید او در قبر
می‌سوزد! آنان گفتند: اگر یک نفر بسوزد بهتر است
که ما ده نفر بسوزیم!»

در فرهنگ غرب بی‌اعتنایی به سالمندان یک امر
عادی و فراوان است و هیچ جایگاهی برای سالمندان
در بین خانواده‌ها در نظر گرفته نشده است.

«نماینده آیه‌ اللہبر و جردی در آلمان گفته بود که
برای عیادت مسلمانی به بیمارستان می‌رفتیم. در
اتاق آن مریض یکی از پیرمردهای آلمانی

بستری بود. روزی از ما پرسید که شما با این
مسلمانی که مرتب به عیادت اومی آئید نسبتی
دارید؟ گفتیم خیر بلکه او برادر مسلمان است. او
گفت با اینکه زن و بچه من در همین شهر هستند
ولی تاکنون به عیادت من نیامده‌اند!»

احترام به سالمندان منحصر به خویشان نیست بلکه
باید به هر پیری احترام گذاشت.

«روایت شده که امیرالمؤمنین علیه السلام در شهر
کوفه چشمش به پیرمردی یهودی افتاد که مشغول
گدایی بود. حضرت از او پرسید چرا
گدایی می‌کند؟ گفت تا جوان بودم کار کردم ولی
اکنون قادر به کار نیستم. امام دستور داد تا از بیت
المال مسلمین برای او حقوق مقرر فرمودند.»

«نقل شده که عده‌ای به دیدار امام صادق علیه
السلام رفتند. امام به آنها گفت چرا بما ظلم

می‌کنید؟ آنها گفتند که ما چه ظلمی بشما کرده‌ایم؟ فرمود در راه آمدن به مدینه پیرکردی که همراهتان است از خستگی پیاده آمدن به جوانی که سوار اسب بود گفت اگر می‌شود مرهم سوار کن که خیلی خسته شده‌ام. ولی او جواب نداد و اعتنایی به آن پیرمرد ننمود. و این ظلم به ما حساب می‌شود.»

2- اهمیت دادن به زیبایی باطنی

تمایل آدمی به زیبایی و جمال یکی از خواهشهای فطری بشر است و احساس لذت از مناظر زیبا، با سرشت انسان آمیخته شده است. بهمین جهت تمام طبقات مردم حتی ملل و اقوام دور از تمدن شهری دارای این احساس طبیعی هستند.

در دنیای کنونی مسئلهٔ زیبایی مورد کمال توجه قرار گرفته و تمام طبقات مردم به زیباییها ابراز علاقه می‌کنند و علم و پیشرفت در خدمت این مسئله قرار گرفته و آخرین دستاوردهای علمی را برای زیبا کردن بکار می‌گیرند.

مردم علاقه دارند همه جا و همه چیز زیبا باشد. در خانهٔ آراسته زندگی کنند، لباس زیبا و شیک بپوشند، صورت و موهای خود را بیارایند، روی مبل قشنگ بنشینند، سوار ماشین زیبا بشوند، حیاط منزل و اطاق پذیرائی، غرق گلهای قشنگ باشد، و خلاصه امروزه پولهایی را که مردم خرج قشنگ کردن خود و زندگی خود می‌کنند اگر از مصارف ضروری بیشتر نباشد، کمتر نیست!

آئین اسلام که برنامهٔ جامع سعادت و کامیابی بشر است، به موضوع جمال و زیبایی توجه مخصوصی

دارد. اسلام در ضمن پرورش کلیه تمایلات فطری بشر، عاطفه جمال دوستی مردم را نیز مورد حمایت و تربیت قرار داده و استفاده از زیباییهای طبیعی و مصنوعی را به پیروان خود اکیداً توصیه کرده است.

قرآن در آیات مختلف این مطلب را ذکر نموده است. از جمله در آیه 7 سوره 18 «إِنَّا جَعَلْنَا مِاْ عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَّهٗا» یعنی: ما موجودات روی زمین را زینت و جمال زمین قرار دادیم.

و در آیه 7 سوره 50 می فرماید: «أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا» یعنی: آیا به آسمان بالای سرشان نگاه نمی کنند که چگونه آن را ساخته ایم و آن را زیبا نموده ایم؟

و در آیه سوره اعراف می فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللّٰهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ» بگو چه کسی زینتهائی را

که خدا برای بندگانش قرار داده، حرام نموده
است؟

پیامبران خدا عموماً زیبا و عاری از هرگونه نقص
بدنی بوده‌اند. صورت زیبا و چهرهٔ جذّاب یوسف
صدیق 7 یکی از امتیازات آن پیامبر محسوب می‌شد.

پیشوای عالیقدر اسلام حضرت محمّد 6 علاوه بر
زیبائی رخسار، گیرندگی و ملاحظت مخصوصی
داشت.

امیرالمؤمنین علی 7 نیز زیبا بود، چنانچه در بارهٔ او
آمده است: روزی علی 7 نزد پیامبر رفت. قیافهٔ
جذّاب و صورت زیبایش بقدری جلوه‌داشت که
پیامبر فرمود: چنین پنداشتم که ماه شب چهارده
بمن نزدیک شده است.

این مقدمه‌ای بود تا گفته شود یکی از آثار بلوغ، بوجود آمدن زیبایی طبیعی در جوانان از یکطرف و از طرفی میل به خودآرائی و زینت‌نمودن است. بطوری که گاهی این حس به افراط کشیده شده و در بعضی از دختران منجر به یک نوع بت‌پرستی برای بدن و هنر می‌گردد. اینجاست که باید معیاری برای ارضای این حس وجود داشته باشد تا از هرگونه افراط و تفریط جلوگیری نماید. اسلام از راه پاکیزگی بدن، مسواک دندانها، معطر بودن، رنگین کردن و روغن زدن مو، لباس زیبا پوشیدن و کارهایی نظیر اینها، حس خود آرائی جوان را به راه صحیح و بی‌خطر هدایت نموده و بر جلوه و جمال آنان افزوده است.

تجمل پرستی و زیاده‌روی در زینت و خودآرائی، عوارض نامطلوبی دربر دارد و ممکن است دختران

و پسران را به راههای غلط سوق دهد و مایهٔ
تیره‌روزی و بدبختی آنان گردد.

از جمله عوارض نامطلوب آن، پیدا شدن وسواس و
اختلالات روحی، پیدا شدن خوی ریاکاری و
خودپرستی، صرف شدن مقادیر زیادی از عمر
گرانقیمت در این کار، فاصلهٔ زیاد بین ظاهر و باطن
اشخاص و غیره می‌گردد.

البته اسلام به زیبایی باطنی هم اهمیت داده و آن را
یکی از ارکان اساسی زیبایی بشر می‌داند. به عبارت
دیگر، زیبایی کامل و جامع برای انسان عبارت از
این است که سیمای جسم و جان و شکل و صورت
و معنی هر دو زیبا باشند. جمال طبیعی و تجمل
مصنوعی، ظاهر را زیبا می‌کند ولی علم و اخلاق که
عالی‌ترین زینت و درخشانترین زیور

اختصاصی انسان است به آدمی زیبائی روحانی و
جمال معنوی عطا می نماید.

امام عسگری 7 فرمود: زیبائی صورت، جمال
ظاهری است و زیبائی عقل، جمال باطنی است.

میل به جمال معنوی در جوانان

خوشبختانه در دوران جوانی، میل به جمال
روحانی و صفات خوب اخلاقی در باطن جوانان بیدار
می گردد و علاقه به زیبائی معنوی، در ضمیرشان
شکفته می شود. جوانان بطور طبیعی به جوانمردی و
فتوّت تمایل پیدا می نمایند و فطرتاً به فضائل اخلاقی
و صفاتی مانند راستگوئی، فداکاری و ایثار، عزّت
نفس، اداء امانت و نظائر آنها علاقه پیدا کرده و از

صفات بدی مانند دروغگوئی، خیانت، عهد شکنی، نادرستی و غیره متنفرند.

جوانان در رابطه با صفات اخلاقی سه

دسته‌اند:

اول: جوانی که دارای سجایای اخلاقی و صفات انسانی است، جوانی که پاکدل و با ایمان، راستگو و درستکار، خدمتگذار و باوفا، امین و خیرخواه و خلاصه دارای صفات پسندیده است، در جامعه محبوبیت دارد. او واجد زیبایی ظاهری و جمال معنوی است و همواره مورد علاقه و احترام مردم خواهد بود. چنین جوانی مانند شاخ گل معطری است که علاوه بر طراوت و جمال طبیعی، دارای بوی مطبوع و شامه‌نوازی است.

دوم: جوانی است که دارای صفات خوب اخلاقی نیست ولی به صفات بد هم آلوده نشده است. اگر

خیرش به مردم نمی‌رسد، شری هم ندارد. اگر از
بینوایان دستگیری نمی‌کند، به آنان آزار هم
نمی‌رساند. این گروه هم تا اندازه‌ای محبوب جامعه
هستند زیرا به مردم آسیبی نمی‌رسانند و جامعه از
شر آنان در امان است.

سوم: جوانی است که آلوده به صفات ناپسند است!
اخلاقش فاسد و مردم از رفتار و گفتارش در عذاب
هستند! او هر چقدر زیبایی ظاهری هم داشته باشد
و مو و صورت و لباس خود را بیاراید، باز هم مورد
تنفر جامعه است! زیرا جمال ظاهری نمی‌تواند
عیوب باطنی او را بپوشاند. مانند جوان زیبایی که
مثلاً کودکی را به قتل برساند! در این هنگام
سیل خشم و تنفر مردم متوجه او می‌شود و مردم
هر گاه او را می‌بینند و یا عکسش را در روزنامه‌ها
مشاهده می‌نمایند، نه تنها از قیافه زیبای او مسرور و

خوشحال نمی‌شوند بلکه برعکس انزجارشان بیشتر
می‌شود و اگر دستشان به او برسد معلوم نیست چه
بلائی سر او بیاورند!

سعادت جوانان

باید ببینیم چه باید بکنیم تا جوان
سعادت‌مند باشیم؟ برای آنکه جوانان به سجایای
اخلاقی متخلّق شوند و از زیبایی روحانی
برخوردار گردند، برای آنکه جوانان گرفتار فساد
اخلاق نشوند و سرانجام مطرود جامعه نگردند، باید
خودشان و همچنین مربیان‌شان همواره
متوجه وظایف خویش باشند.

جوانان باید خود را بشناسند و در خاطر داشته
باشند که ایام کودکی راپشت سر گذارده و اینک

خود دارای استقلال و مسئولیت شخصی هستند، باید بدانند که اکنون قسمت اعظم خوشبختی و بدبختی آنان در اختیار خودشان قرار گرفته است.

آنان باید بدانند که با شرکت در مجالس گناه و معاشرت با افراد آلوده و ناپاک، موجبات تیره روزی و بدبختی خود را فراهم می‌آورند و خویشان را به فساد اخلاق که باعث بدنامی و نفرت اجتماعی است، آلوده می‌نمایند.

3- تقلید از الگوهای نمونه

حسّ تقلید یکی از تمایلات طبیعی است که در تمام افراد بشر در سنین مختلف وجود دارد و در نسل جوان شدیدتر است.

آدمی میتواند بوسیلهٔ تقلید، از تجربیات علمی و عملی دیگران استفاده کند و راهی را که گذشتگان پیموده و به نتیجه رسیده‌اند را بیاماید و به اهداف خود با زحمت کمتر و سرعت بیشتر دست پیدا نماید.

نوجوانان برای ساختن شخصیت خویش و برگزیدن صفات لازم، از دیگران تقلید می‌کنند و روش آنان را برنامهٔ کار خود قرار می‌دهند. با توجه به اینکه تمایل خودنمائی و تشخیص طلبی در نوجوانان شدیداست، کوشش می‌کنند تا جایی که میسر است از اشخاص مشهور و ممتاز پیروی نمایند و صفات آنان را الگوی شخصیت سازی خود قرار دهند، به این امید که هر چه زودتر و بیشتر شهرت و افتخاری کسب نمایند و مورد توجه عموم قرار گیرند.

گاهی در این خصوص از قهرمانان ورزشی تقلید می‌کنند. گاه از ستارگان سینما تقلید می‌کنند و کارهای ساختگی و غیر واقعی آنان را برنامه‌زندی خود قرار می‌دهند. مانند آنان راه می‌روند، حرف می‌زنند، لباس می‌پوشند، نگاه می‌کنند، می‌خندند، معاشقه می‌کنند و صورت و موی خود را می‌آرایند و خلاصه بجای اینکه شخصیت خویش را براساس سجایای اخلاقی و صفات انسانی پی‌ریزی کنند و خود را انسان لایقی بسازند، از این ستاره‌ها و الگوها تقلید کرده و رفتار آنان را برنامه‌کار خود قرار می‌دهند و به این واسطه بزرگترین ضربه را به شخصیت معنوی خود می‌زنند.

خطراتی جوانان را تهدید می‌کند و چه بسا تقلیدهای نابجا باعث شده که از مسیر پاکی و فضیلت منحرف گشته و برای ارضاء حسّ

برتری جوئی، مرتکب گناهان بزرگ شده‌اند و برای همیشه موجبات تیره‌روزی و بدبختی خود را فراهم آورده‌اند.

اثر تقلید غلط

«مادری در لبنان به دادگاه مراجعه و از پسرش شکایت کرد. و اظهار نمود که پسر دوازده ساله او مرتب از مدرسه فرار می‌کند و بی حساب پول خرج می‌نماید و او نمی‌داند این پولها از کجا آمده است. پس از تحقیقاتی که از «عدنان» شد، او اعتراف نمود که ابتدا فن سرقت را از مشاهده فیلمها یاد گرفته و تاکنون مرتکب 27 فقره سرقت شده است. از جمله هفت دستگاه دوچرخه را دزدیده و فروخته است.»

«در زمان حکومت طاغوت عده‌ای نوجوان که برخی دانش‌آموز بودند و باند سرقت اتومبیل را اداره می‌کردند، دستگیر شدند. سن این گروه بین 16 تا

20 سال بود. بیشتر آنان در بازجوئی در مورد انگیزه این کارمی گفتند: ما خودمان هم نمی دانیم چرا به اینکار دست زدیم اما هرچه بود از سرقت ماشین مخصوصاً کارهای قهرمانی این سرقتها لذت می بردیم».

آثار اجتماعی تقلید نادرست

تقلید نادرست است که باعث بسیاری از کارهای خلاف می شود و مخصوصاً در مورد نوجوانان و جوانان. در همین کشور خودمان تقلید از فیلمها و هنرپیشه ها چه آثار زیانباری که به بار نیاورده است!

اگر عده ای از نوجوانان ما سیگار می کشند، نتیجه تقلید ناصحیح است. اگر گروهی به مشروبات الکلی روی می آورند باز هم نتیجه تقلید است.

اگر عده‌ای از دختران از حجاب و عفت زنانه
گریزان هستند این هم نتیجه تقلید است. و اگر
اعتیاد و روابط نامشروع و استفاده از انواع لباسهای
باصطلاح رپی در بین بعضی از جوانان ما وجود
دارد، این هم به تقلید نادرست برمی‌گردد.

دامنه تقلید بسیاری از مسائل زندگی ما را دربر می
گیرد که گاهی آن مسئله سرنوشت ساز است مثل
تقلید در مسائل مذهبی.

متأسفانه انسانهای زیادی از ادیان مذاهب باطل
شده هستند که بخاطر تقلید از پدران واجداد
خود، بر همان مذهب غیر حق باقی
مانده‌اند. در حالیکه اگر درباره درستی و نادرستی
دین اجداد خود بررسی و تفکر می‌کردند، می
توانستند به راه حق دست پیدا کنند.

دین تو به تقلید پذیرفته ای دین به تقلید بود

سرسری

آنک او از پردهٔ تقلید جست او به نور حق بیند آنچ

هست

تقلید از خوبان

اکثر کارهای انسانها بر مبنای تقلید انجام

می گیرد. چه تقلید صحیح و چه از روی تقلید

نادرست. تقلید نقش تعیین کننده ای در صلاح

و فساد انسانها دارد. آنهاییکه با کمک عقل و توفیقات

الهی در مسیری قرار گرفته اند که روش زندگی شان

بر مبنای انجام دادن کارهای صحیح است، و تبعیت از

پیامبران و اولیاء خداست، و یا از بزرگان دین

همچو علمای ربانی تبعیت می کنند، معمولاً به

سعادت می‌رسند. و اما آنهاییکه بدون تفکر و تعقل از منحرفین و بدعتگزاران و مغمضوین الهی تقلید می‌نمایند، عاقبت خوبی ندارند.

یکی از مسائل حساس در کشور ما بی‌توجهی به علم و دانش و توجه زیاد به جلوه‌های مادی زندگی است. در بسیاری از خانه‌ها یک کتاب غیردرسی پیدا نمی‌شود و از مطالعه پدر و مادر و فرزندان و از توجه به کتاب و بالابردن دانش، خبری نیست ولی در عوض دستگاہ‌های صوتی مثل ضبط چند صد هزار تومانی، و وی‌دی‌سی دی آنچنانی، گاه‌ماهواره و خلاصه چیزهاییکه معمولاً جز سرگرمی که گاهی همراه با فساد است، فایده‌ای برای خانواده‌ها ندارد. و این هم بر اساس تقلید نادرست می‌باشد.

همچنین تقلید از سنتهای نادرست باعث مشکلات عظیمی برای زندگی ما ایرانی‌ها شده است. تقلید از سنتهای غلط ازدواج باعث ایجاد معضل بالارفتن سن ازدواج در جوانان و پایین آمدن آمار ازدواج در کشور ما و آثار روانی این معضل شده است.

تقلید از سنتهای غلط در مراسم بزرگداشت اموات باعث تحمیل مخارج سنگین بر وابستگان مرده و اسراف و تبذیرها در این مراسمات شده است.

اسلامی که بما دستور می‌دهد مراسم ازدواج را آسان بگیریم. در مراسم سوگواری مرده، صاحبان عزا باید عزاداری کنند و موقع ظهر و شام، از طرف دیگر فامیلها یا همسایه برایشان غذا بیاورند، و بیش از سه روز عزاداری ننمایند و...

تقلید نادرست در مهمانی‌ها باعث چشم وهم چشمی‌ها و تحریف شدن مهمانی اسلامی و مهمانی

صحیح شده است که این مهمانی هاگاه نه تنها به
نزدیک شدن دلها کمک می کند بلکه به ایجاد
اختلاف و کینه منجر می گردد.

تقلید صحیح آنست که از کارهای خوب
دیگران درس بگیریم و کارهای بد دیگران را
بخودشان واگذار نمائیم.

درباره تقلید باید پنج نکته مورد توجه قرار گیرد:

اول آنکه از افراد منحرف و گناهکار تقلید نشود،
زیرا گناهکاران دیر وزود دچار شکست و
بی آبرویی می شوند.

دوم آنکه بدانند که ساختمان طبیعی و استعدادهای
افراد با هم تفاوت دارد. خدا انسانها را مختلف
آفریده و هر انسانی برای انجام کار مناسب با
ساختمان خود آمادگی بیشتری دارد.

سوم اینکه از بهترین الگوها را که انسانهای برگزیده هستند تقلید کنیم و از انسانهایی که دارای صفات بدهستند، تقلید ننمائیم.

چهارم اینکه در هر تقلیدی، خوب فکر کنیم و چنانچه با عقل سلیم موافق بود آنرا انجام دهیم.

پنجم اینکه در مسائل شرعی یا باید خودمان مجتهد و متخصص باشیم که این نیاز به حداقل بیست سال درس حوزوی دارد و یا باید از مجتهدی که بنظر ما از همه اعلم است، تقلید نمائیم. همانطور که در مسائل پزشکی از دستورات پزشک تبعیت می کنیم و یا در مسائل ساختمانی از معمار و مهندس تبعیت می نمائیم.

4-دوری از مواد مخدر

از عوامل انحراف و موانع زندگی سالم، اعتیاد به انواع مواد مخدر است. در زمان کنونی به دلائل مختلف از جمله همسایگی با کشورهایمانند افغانستان و پاکستان، پل ارتباطی بودن ایران برای صادرات مواد مخدر به دنیا، کشور ما را دچار این مرض سخت و خطرناک و این مشکل و معضل بزرگ نموده است. شاید بیش از دو میلیون نفر از هموطنان ما یابه صورت اعتیاد و یا تفریحی و تفننی از مواد مخدر استفاده می نمایند. چه جوانانی که در راه استفاده و یا قاچاق مواد مخدر جان خود را از دست داده اند. و چه جوانانی که بخاطر اعتیاد به انواع گناهان و تخلفات آلوده شده و از سرقت گرفته تا قتل و تجاوز و غیره را مرتکب می شوند.

اعتیاد پله‌ای است که با آن، انجام بسیاری از خلفها و ناهنجاریها، شدنی شده است. عوامل اعتیاد را چند چیز شمرده‌اند:

رفیق : شصت درصد معتادین از طریق رفیق ناباب آلودگی پیدا کرده‌اند. جوان سالم باید در مسئلهٔ رفاقت، هشدارهای اسلام و بزرگان و افراد دلسوز را گوش کند تا به دام این نارفیقان نیفتد.

ناراحتی های عاطفی: چهارده درصد از معتادین باین علت معتاد شده‌اند.

کنجکاوی: هشت درصد بخاطر کنجکاوی معتاد شده‌اند.

لذت جویی: شش درصد بخاطر لذت از استفادهٔ مواد مخدر آلوده شده‌اند.

تسکین درد: پنج درصد برای نجات از درد جسمی
معتاد شده اند.

فامیل معتاد: چهار درصد از فامیل معتاد خود اعتیاد
را فرا گرفته اند.

5- تسریع در ازدواج

ایمن ترین راه برای دوری و مصونیت از
انحرافات، ازدواج می باشد. ازدواج آثار خیر و
پربرکتی دارد از جمله:

1- حفظ دین: «رسول خدا 6 فرمود: کسی که ازدواج
بکند نصف دین خود را خریده است.»

2- باعث پاکدامنی و عفت: رسول خدا 6: ازدواج بیش
از هر چیز دیگری موجب چشم پوشی از گناهان و
موجب پاکدامنی می شود.

3- موجب بقاء نسل حلال است: رسولخدا6: ازدواج کنید تا نسلتان زیاد شود که من در روز جزا از زیادی ائمتّم و لو به طفل سقط شده، افتخار می کنم.

4- عامل آرامش روانی زن و مرد.

5- نجات از جهنّم: رسولخدا6 فرمود: اکثر اهل جهنم از عذب ها(مجردها) هستند!

6- پرورش حس مذهبی

در مکتب اسلام برای رام کردن غرائز و تعدیل تمایلات نفسانی، از عقل، علم، تربیت، حیا، اجتماعی، نظارت ملّی، قوانین کیفری صحبت شده است. ولی بزرگترین قدرتی که در این آئین مقدّس برای مهار کردن غرائز مورد استفاده واقع شده و نتایج بزرگ و ثمربخش به بار

آورده، احساس مذهب است. دانشمندان اذعان کرده‌اند که تقریباً از سن دوازده سالگی، تمایل و علاقه و عشق به مذهب در انسان پیدا می‌شود. «موریس دبس می‌گوید: گویا همه روانشناسان در این نکته متفقند که مابین بحران تکلیف و جهش ناگهانی احساسات مذهبی، ارتباطی وجود دارد. در این اوقات یک نوع نهضت مذهبی حتی در کسانی دیده می‌شود که سابق بر این نسبت به مسائل مربوط به مذهب و ایمان لاقید بوده‌اند، حداکثر این احساسات مذهبی در حدود 16 سالگی پیدامی‌شود». جالب آنکه تمایل به مذهب در 12 سالگی که آغاز فعالیت بلوغ است، آشکار می‌شود. در آن موقع غرائز هنوز بخوبی شکفته نشده‌اند و مزاج کودک اسیر طغیان شهوات نیست. گوئی خداوند حکیم به صورت پیشگیری قبل از بروز طوفان و طغیان غرائز، وسیله مهار کردنشان را

آماده نموده است و دوران چند ساله بلوغ را مهلت خودسازی و پرورش احساس مذهب قرار داده است.

در این رابطه باید به دو نکته توجه نمود: یکی آنکه این احساس مذهبی باید در مسیر صحیح هدایت شود. در دنیایی که صدها مذهب انحرافی وجود دارد و مطالب خرافی فراوانی در دینهای تحریفی نهفته است و این مطالب در عصر حاضر با پیشرفتهای علمی نمی سازد، گاهی جوان را دچار شک و بی دینی می کند. فقط اسلام عزیز که دین تعقل و تفکر است، دین علم و تعلّم است و آئین خلقت و فطرت است و دین خالی از اوهام و خرافات است، می تواند حس مذهبی جوانان را اشباع نماید. کتاب مسلمانان، قرآن با پرستش بت و گاو و ستاره و ماه و با تمام عقاید خرافی مبارزه

کرده است و بشر را به توحید عقلی و علمی و عملی هدایت فرموده است. اسلام با خرافات جاهلانه و با تثلیث (خدایان سه گانه مسیحیت) که مذهب شایع غرب است مبارزه نموده است. تنها اسلام است که هیچ گونه مطلب خرافه و وهم و خلاف عقل سالم ندارد.

دوم پرورش این حس مذهبی است. اولین برنامه اسلام برای پرورش این حس، دعوت انسانها به خداوند بخشنده و مهربان است. بخشندگی و مهربانی دو صفت مطبوع و دلپذیری است که پروردگار را محبوب نوجوان می کند و عواطف و احساسات او را برای دوست داشتن خداوند عزیز، تهییج می نماید و بهر نسبتی که محبتش به خدا بیشتر شود، دین و ایمانش محکمتر می گردد.

امام پنجم 7 فرمود: آیا دین جز محبت چیز دیگری
است؟

دین اسلام بر محبت بنا شده است. عشق به خدا و
نمایندگان خدا و مؤمنین به خدا. در قرآن برای
واداشتن انسانها به نیکیها و بازداشتن از بدیها،
بازبان محبت و احساس سخن گفته و به دوست
داشتن و دوست نداشتن خدا تکیه کرده است.
مانند: خدا دادگران را دوست دارد. خدا
توبه کنندگان را دوست دارد. خدا نیکوکاران را
دوست دارد. خدا صابران را دوست دارد.

و می فرماید: خدا ستمکاران را دوست ندارد. خدا
مفسدین را دوست ندارد. خدا ظالمین را دوست
ندارد. خدا خائنین را دوست ندارد. خدا
مستکبرین را دوست ندارد.

عبادات هم بر پایهٔ تقرب و نزدیکی به خدا انجام می‌شود. مانند: نماز می‌خوانم برای نزدیکی بخدا. روزه می‌گیرم برای نزدیکی بخدا.

7- ارزش قائل شدن برای علم و دانش

اولین و بهترین بذری که باید در زمین با استعداد دل نوجوانان و جوانان افشانده شود، بذر پربرکت علم و دانش است. علم مایهٔ اساسی سعادت و خوشبختی است، علم باعث شکفتگی عقل و بروز کمالات انسانی است و خلاصه علم پایهٔ محکم تمام افتخارات بشری است.

قرآن کریم، علماء و دانشمندان را گروه ممتاز جامعه شناخته و برتری آنان را نسبت به مردمانی که فاقد علم و دانش هستند، خاطر نشان فرموده

است: «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَغْلُمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَغْلُمُونَ، إِنَّهُمْ لَا يَتَذَكَّرُونَ إِلَّا بِالْأَلْبَابِ»، آیا دانشمندان با غیر دانشمندان برابرند؟ صاحبان خرد تفاوت این دو گروه را تشخیص می دهند.

علوم مختلف هر یک به فراخور خود، کمالاتی را به جوان عرضه می کنند. علوم طبیعی، باعث می شود که انسان با ساختمان وجود خود و سایر موجودات کره زمین تا اندازه‌ای آشنا شود. و به عظمت خلقت و نظم عجیب کتاب آفرینش پی ببرد. علوم روانی و تربیتی انسان را با روح و روان خود تا اندازه‌ای آشنا ساخته و راههای کنترل این نیرو را به انسان آموزش می دهد. با این علم می تواند خوبیها و بدیها را بشناسد و عادت کند که در تمام عمر به خوبیها روی آورد و از بدیها فاصله گیرد. علوم دینی درس خداشناسی و تشکر از آن خالق بخشنده را به

جوان تعلیم می‌دهد. جوان اگر دیندار شد در مقابل بسیاری از انحرافات واکسینه وایمن می‌گردد.

امام صادق 7 می‌فرماید: «دوست ندارم جوانی از شما را ببینم مگر اینکه روزش را با یکی از دو حالت آغاز کرده باشد، یا تحصیل کرده و عالم باشد (و از علمش را به دیگران بیاموزد) و یا دانشجو و مشغول تحصیل علم و دانش باشد. پس اگر جوانی این دو حالت را نداشت، در وظیفه‌اش کوتاهی کرده و اگر کوتاهی کرد عمرش را ضایع نموده و اگر عمرش را ضایع نمود، به گناهکاری منجر می‌شود و اگر گناه کرد بخداوندی که پیامبر را به نبوت فرستاد، در عذاب الهی ساکن می‌گردد».

حضرت موسی 7 گفت: خدایا کدام انسان را بیشتر دشمن داری؟ فرمود: آنکه شبها چون مردار افتاده و روزها عمر خود به بطالت می‌گذراند.

عده‌ای از جوانان در این ایام گرانبها، عمر خود را به بوالهوسی و بطالت می‌گذرانند. اینان در بزرگسالی پیوسته گرفتار پشیمانی و ندامت می‌شوند و همواره در آتش افسوسی که در باطن خویش افروخته‌اند می‌سوزند، ولی افسوس و ندامت برای فرصت از دست رفته اثری ندارد. عده‌ای هم قسمتی از عمر عزیز خود را به مطالعه کتابهای موهوم و افسانه‌های غیر مفید و احیاناً مضرّ مصروف می‌دارند. این کتابها آنان را از دنیای واقعیات دور کرده و به دنیایی که غیر واقعی و دروغ است می‌برد.

کتابهای پلیسی و رمانهای عشقی افکار آنان را از واقعیت دور کرده و اراده آنان را ضعیف و کم‌کم موجبات انحرافات اخلاقی را فراهم می‌کند.

حضرت علی 7 می فرماید: کسی که خود را به مسائل زائد و غیر لازم سرگرم کند از آنچه که مهم و مورد آرزوی اوست باز می ماند.

اما مطالعه وقایع تاریخی، قصه های پیامبران الهی، زندگی نامه بزرگان علم و ادب، و امثال آن در تربیت صحیح فکر و پرورش روح، اثرات مهمی را دارد.

امیرالمؤمنین علی 7 به فرزندش امام حسن 7 می فرماید: ای فرزند عزیز! گر چه عمر من باندازه عمر گذشتگان نبوده است ولی در کارهای آنان فکر نمودم و در اخبار آنان تأمل نمودم و در آثارشان سیر کردم تا جائی که گویی من هم یکی از آنان بوده ام! بلکه از نتایج مهمی که به دستم رسید، گویا من با اولین و آخرینشان عمر نموده ام و خوب و بدشان را فهمیدم و خلاصه این دانشم را بعد از

غربال مطالب زیبا و سودمند از مطالب بی‌فائده و بی‌اثر، برای تو باز می‌گوییم.

8- استفاده از فرصتها

دوران جوانی، ایام مؤاخذه و مسئولیت شخصی است، سن بیداری و به خود آمدن است، موقع کار و فعالیت است. کسی که در بحبوحه جوانی به سعادت خود فکر نمی‌کند و در راه خوشبختی مادی و معنوی خود گام بر نمی‌دارد، جوانی که با سستی و سهل‌انگاری بهترین ایام عمر خود را به رایگان از کف می‌دهد و از آن فرصت بی‌نظیر قدردانی نمی‌نماید، استحقاق توییح و کیفر دارد.

امام صادق 7 در تفسیر آیه «أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ» «آیا ما بشما عمر ندادیم تا کسی که اهل آگاهی است آگاهی بگیرد؟» فرمود: این آیه ملامت و سرزنش جوانان غافل است که به سن بلوغ رسیده‌اند و از فرصت جوانی خود استفاده نمی‌کنند.

متأسفانه در تمام کشورهای پیشرفته و در حال رشد و کلاً در تمام دنیا، به‌علت حاکمیت فرهنگ فاسد غربی، بسیاری از جوانان کشورهای دنیا از صراط مستقیم منحرف شده و عملاً به تمام مقررات اخلاقی و انسانی پشت پا زده‌اند، به همه چیز و همه کس بدبینند و فکر طغیان و عصیان در سر می‌پرورند، اینان در دوران جوانی و در پرشورترین ایام زندگی، بجای امیدواری و کوشش، دچار یأس و ناامیدی شده‌اند، نه به تحصیل دانش

علاقه دارند، نه به سعادت فردای خود امیدوارند، بیشتر آنها به عادات زشت آلوده شده‌اند و فرصت گرانبهای جوانی را به نادانی و بوالهوسی از دست می‌دهند.

جوانانی که خواهان سعادت و خوشبختی خود هستند، کسانی که مایلند فرصت جوانی را مغتنم بشمرند و بطور کامل از آن بهره‌برداری نمایند، لازم است به چهار نکته توجه نمایند:

1— دوران جوانی یکی از بهترین و پرجای‌ترین فرصت‌های ثمربخش در طول زندگی است.

2— استفاده از فرصت جوانی و سعی و کوشش در راه بهره‌برداری از آن، شرط اساسی کامیابی و موفقیت آدمی است.

3- خوشبختی و بدبختی هر انسانی در ایام جوانیش
پیریزی می‌شود، جوانی که از فرصت این ایام خوب
اسفاده کند، می‌تواند سعادت همه عمر خود را
تضمین نماید.

4- عمر جوانی کوتاه و فرصت شباب زودگذر است،
یک روز غفلت و سستی، باعث حسرت و زیان و
مایه ندامت و پشیمانی در تمام ایام زندگی است.

دو تا از موانع مهم بر سر جوانی عبارتند از: یکی
اضطراب و نگرانی از آینده و دوم تأثر و افسوس
بر گذشته.

اضطراب و نگرانی مانند موریانه، ریشه‌های امید و
اراده را در ضمیر انسان می‌خورد و آنان را مأیوس و
دلسرد می‌نماید. و افسوس بر شکستهای گذشته،
شور و شوق و اشتیاق را از انسان دور
می‌نماید. علی⁷ می‌فرماید: افسوس بر گذشته را در

دل خود بیدار مکن که تو راز آمادگی برای آینده
دور می‌کند. همچنین حضرت می‌فرماید:
غصّة فردای نیامده را بر امروز موجودت تحمیل
مکن و بار امروزی را بی‌جهت سنگین منما!

در این باره شاعر می‌گوید:

این چه حالت بود که اهل زمین هر زمان از گذشته
یاد کنند

از فراق گذشته‌ها غمگین‌وز غم حال، بانگ و داد
کنند

آن یکی در بهار بُرنائی می‌خورد بهر کودکی
افسوس

در کمال جمال و زیبایی از تأسّف کند قیافه عبوس

و آن‌دگر از شباب کرده عبوردیده آن سخت راه
ناهموار

داده از کف نشاط عقل و شعور آرزوی شباب کرده

شعار

آنچه دیدم بغالب احوال هیچ کس فکر نقد حال

نبود

همه در اختیار وهم و خیال حالشان جز غم و ملال

نبود

خلاصه کسی که می‌خواهد از فرصتها استفاده کند و

از سرمایه‌هائی که در اختیار دارد بخوبی

بهره‌برداری نماید، باید گذشتهٔ معدوم را

بدست فراموشی سپارد و دل را از حسرت و اندوه

آن خالی کند. همچنین باید آیندهٔ موجود نشده را

نادیده انگارد و نگران آن نباشد، باید تمام

نیروی خود را متوجه لحظهٔ حال و شرایط موجود

نماید و در هر کاری از خود سؤال کند «الآن چه

باید کرد؟». سپس فکر کند، عاقلانه پاسخ دهد،
و سپس بانجام آنچه موظف است، جداً قیام نماید.

9- پیروی از فرهنگ ایرانی و اسلامی

در حال حاضر در کشور ما غنی‌ترین
و کاملترین فرهنگ که فرهنگ ایرانی اسلامی
است، وجود دارد و هر که از این فرهنگ
تبعیت نماید، حتماً به سرمنزل مقصود خواهد
رسید. و در مقابل این فرهنگ خوب و سالم، فرهنگ
فاسد و ناسالم غرب وجود دارد.

چه بسیار دختران و پسرانی که در آرزوهای خود،
رفتن به یکی از کشورهای غربی را می‌بینند و دیدار
از آن سرزمینها را در رؤیاهای خود مشاهده
می‌نمایند. آمریکا! اروپا! غرب! مظهر آزادی! و

لذّات نامشروع در خیال و ذهن عده‌ای از جوانان
بوده و چهره‌ای زیبا از این سرزمینها را در تصورات
خود به تصویر می‌کشند.

اما آیا واقعاً غرب همان گونه است که این جوانان
خیال می‌کنند؟

غربی که دانشمندان آن، سقوط دیر یا زود آن را،
پیش‌بینی کرده‌اند! سرزمینهایی که از مظاهر خوبیها
و زیباییهای حقیقی در آن اثری نیست و بجای آن،
شخصیت زنان و مردان در خدمت سرمایه‌داری و
تمدن دروغین بکار گرفته شده است! آمریکایی که
رئیس جمهور آن در تلویزیون ظاهر شده و
کلکسیون قاشق و چنگالهایی را نشان می‌دهد
ومی‌گوید: این قاشق و چنگالها مربوط به زمانی
است که کودک بودم و هنگامی که به مهمانی
می‌رفتیم، آنرا از خانه می‌دزدیدم!

جوان ایرانی که می‌خواهد سعادت‌مند باشد، اگر درست در بارهٔ وضع غرب تحقیق کند، هیچگاه غرب را به عنوان آرزو و هدف خود قرار نمی‌دهد! غرب پاسخگوی همهٔ نیازهای یک جوان نمی‌تواند باشد! در غرب تنها می‌توان فحشاء ارزان و لذات نامشروع را پیدا نمود. اما سعادت و هدایت و کمال و رستگاری در آنجا پیدا نمی‌شود. آیا تا بحال شده است که یک جوان، با سفر به غرب، به انسانیت دست پیدا کند؟ آیا تا بحال شده است که با یک برنامهٔ تلویزیونی غرب، انسانی با خدا و معنویت آشنا شود؟ اما بسیار دیده شده که با یک فیلم غربی، یا با یک مسافرت به غرب، انسانی، فساد اخلاق پیدا نموده و بدبخت شده است. تهاجم فرهنگی غرب، بسیاری از جوانان دنیا و عده‌ای از جوانان کشور ما را به پوچی و انحراف و دشمنی با دین و خدا کشانده است.

10- تشخیص قهرمانان دروغین از قهرمانان راستین

قهرمانان دروغین!

دنیای غرب بخصوص آمریکا چون فاقد قهرمانان واقعی در تاریخ خود هستند، به برکت حق‌های سینمائی و دنیای شگفت‌آور هنر هفتم، قهرمانانی دروغین که فقط در لحظه نمایش فیلم واقعی بنظر می‌رسند ولی وجود خارجی ندارند را خلق کرده است.

تارزان! راکی، رامبو! بروس لی و دهها چهره محبوب نوجوانان و جوانان پا به عرصه سینماها و ویدئوها و رایانه‌ها گذاشته و عاشقان زیاد برای خود پیدا کرده‌اند. اما وقتی به سراغ چهره واقعی این مردان افسانه‌ای می‌رویم، متوجه می‌شویم که اثری از قدرت و شجاعت و دلیرمردی که در فیلمها از آنان دیده می‌شود، نیست و اینان مردانی عادی

هستند که از طریق قدرت جادویی فیلم، چهره زیبا و محبوب پیدا کرده‌اند. لذا تاکنون فردی پیدا نشده است که از طریق این چهره‌ها به انسانی پاک و آزاده و غیرتمند و شجاع تبدیل شود. بلکه بر عکس انسانهای زیادی یافت می‌شوند که با علاقه به این چهره‌ها روزها و شبهای زیادی را پایان بردند ولی عاقبت خوبی پیدا نکردند.

قهرمانان واقعی!

اما وقتی به فرهنگ خودمان مراجعه می‌کنیم، مشاهده می‌نمایم که هم در تاریخ کشورمان ایران و هم در تاریخ اسلام عزیز، شخصیت‌هایی پیدامی‌شوند که از نظر قدرت بدنی، مهارت در فنون جنگی و فضائل اخلاقی کم نظیر بوده‌اند.

علی 7، جعفر طیار، حضرت حمزه، امام حسین 7، علی اکبر و حضرت عباس علاوه بر دارا بودن

فضائل بی‌شمار اخلاقی و انسانی، هر کدام در قدرت جنگی حریف صدها نفر بوده‌اند. عباس علمدار وقتی مأموریت پیدا کرد تا برای خیمه‌گاه آب بیاورد، به طرف نهر فرات حرکت کرد. چهارهزار نفر از لشکر دشمن، محافظ نهر فرات بودند تا از یاران امام حسین 7 کسی دسترسی به آب پیدا نکند. اما با یورش عباس قهرمان، همه آنها عقب نشستند و کنار رفتند تا قمر بنی هاشم وارد نهر شد و مشکش را پر نمود. دشمن که دید نمی‌تواند با عباس مقابله کند، بطور ناجوانمردانه و از طریق کمین، دستهای عباس را قطع نمودند. با این حال عباس سرفراز با صدای بلند فریاد زد:

اگر دست راستم را قطع نمودید، اما بدانید که من دست از حمایت‌دینم بر نمی‌دارم. آنگاه بر یک انسان بی‌دست حمله کردند و او را بشهادت

رساندند. آیا حماسه و قهرمانی از این بالاتر سراغ دارید؟ همچنین خود امام حسین 7 چنان دمار از دشمن بالای ده هزار نفر در آورد که به نیرنگ متوسل شدند و به دروغ گفتند که دشمن به خیمه گاه حمله نموده و از طریق سنگباران و پرتاب نیزه شکسته و شمشیر شکسته، امام را از پا در آوردند. و الاّ احدی را سراغ نداشتند که بتواند حریف امام 7 باشد!

آیا این قهرمان واقعی است و میتواند محبوب دلها باشد یا انسانهایی که از طریق حقه های سینمائی، دلاور و قهرمان بحساب می آیند ولی در واقع از داشتن فضائل اخلاقی محرومند! و اگر دو نفر در خیابان به آنان حمله کنند نمی توانند از خود دفاع نمایند!!

در تاریخ کشور پهلوانان و قهرمانان زیادی وجود داشته‌اند که خیلی از آنها گمنام زندگی می‌کرده‌اند. پوریای ولی، پهلوان تختی و... همچنین انسانهای والا مقامی چون نواب صفوی، مدرس، کاشانی، اسدآبادی، میرزا رضای کرمانی، اندزگو، سعیدی، غفاری و... می‌زیسته‌اند که هر کدام در بیداری و مقابله با زورگویی ستمکاران نقش مهمی ایفا نمودند. در ایام دفاع مقدس که کشور تازه انقلاب کرده ایران با جنگی بزرگ روبرو شد، قهرمانانی پا به عرصهٔ رزم نهادند که تعدادی از آنها شناخته شده و اکثراً گمنام شهید شدند و یا در سنگر سازندگی مشغول فعالیت هستند. حاج همت، باکری، زین الدین، فهمیده، خرازی، کلهر، کریمی، کشوری، بابائی، بروجردی، علم الهدی، چمران، صیاد شیرازی و صدها قهرمان جنگ با حماسه‌های خود دشمن را به زانو درآوردند و فرهنگ

بسیجی را در مقابل فرهنگ منحط غرب، خلق نمودند.

11- دوری از انحرافاتى همچون چشم چرانى

،ارتباطات نامشروع و...

چشم انسان از اعضایی است که بیشتر گناهان به سبب و وسیله آن انجام می شود. و در سخنان بزرگان دین آمده که هر که بتواند چشم خود را کنترل نماید، از بسیاری از گناهان خود را دور نموده است.

یکی از گناهان چشم، چشم چرانی و هیز بودن و نگاههای شهوانی به نامحرم است. چه از طرف مرد نسبت به زن نامحرم و چه از طرف زن نسبت به مرد نامحرم.

«آمده است که جوان عربی در زمان پیامبر(ص) در
کوچه مشاهده کرد که زن جوانی از روبرو
می‌آید! این جوان شروع به چشم چرانی به زن
نمود بطوریکه حواسش پرت شد و متوجه استخوانی
که در سوراخ دیوار فرو شده بود، نشد و استخوان به
گونه‌اش اصابت کرد و خون جاری شد! جوان با همین
حالت نزد پیامبر بعنوان طیب الهی رفت
و ماجرای این حادثه را گفت. حضرت فرمود: همانا
نگاه به نامحرم تیری از تیرهای شیطان است»

چشم انسان مانند دوربین بسیار قوی فیلمبرداری
است که همه صحنه‌ها را علاوه بر نشان دادن به مغز
در همان آن، در حافظه ذخیره می‌کند و بسیاری از
خوابها و رؤیاهای حتی تصورات آدمی از جهان به
همین تصاویر باز می‌گردد.

جوانی که از صبح تا شب چشمش بدنبال زیبارویان در گردش است، اگر در خواب جنب و محتمل شود و خوابهای شیطانی ببیند، طبیعی است. و هر گاه روز با خوبان و صالحان همنشین باشد و توسلات به معصومین علیه السلام داشته باشد اگر در خواب، امام زمان (عج) و زیارتگاه ببیند، باز طبیعی است.

«روزی حضرت عیسی علیه السلام بایارانش برای دعای طلب باران از شهر خارج شدند. موقع دعا، عیسی علیه السلام گفت: هر که گناهی مرتکب شده بر گردد. همه بجز یکنفر باز گشتند. حضرت به او گفت: تو گناهی مرتکب نشده‌ای؟ گفت: خیر بجز اینکه روزی در حال عبادت بودم که زنی از مقابلم عبور کرد و من ناخواسته بتماشای او مشغول شدم. ناگاه بخود آمدم و بخاطر این کار زشتم، چشم

خود را در آوردم و بطرفی که زن رفت بود، پرتاب
کردم!

حضرت فرمود: پس تو دعا کن تا من آمین گویم! او
دعا کرد و عیسی علیه السلام آمین گفت و باران
آمد.»

یکی از نشانه‌های پاکی چشم، دور ماندن چشم از
نگاه‌های شهوانی است. لذا وقتی دختر شعیب علیه
السلام نزد موسی علیه السلام آمد و گفت: پدرم تو را
به خانه دعوت کرده و مرا فرستاده تا تو را راهنمایی
کنم. موسی علیه السلام چند قدمی بدنبال دختر رفت
و گفت: ما خاندانی هستیم که پشت سر زن
نگاه نمی‌کنیم. پس من جلو می‌روم و تو از پشت سر
بیا و هر کجا نیاز به راهنمایی شد، با انداختن سنگ
علامت بده!

اگر چشم را کنترل نکنیم، دل را گرفتار کرده‌ایم
و اگر دل گرفتار شد، سر به رسوائیها خواهد زد.

**زدست دیده ودل هردو فریاد* هر آنچه دیده بیند
دل کند یاد**

**بسازم خنجری نیشش ز فولاد* ز نم بردیده تا دل
گردد آزاد»^{۶۷}**

چه بسیار نگاههای کوتاهی که بدبختی‌های بزرگ
و طولانی به ارمغان آورده است. ازدواج‌هایی که با
یک نگاه شروع شده و عاقبت در مدت کوتاهی با
یک نگاه دیگر به طلاق کشیده می‌شود.»

«علی‌علیه السلام: هر که نگاهش به نامحرمان زیاد
باشد، فکرش دائماً مشغول خواهد بود.»

«ای رسول! به مردان مؤمن بگو چشم خود را بر حرام ببندند و عورت خود از حرام حفظ کنند که این مسئله برای پاک پودنشان لازمتر است و به زنهاى مؤمنه هم بگو که چشمهای خود را بر حرام ببندند و عورت خود را از حرام حفظ کنند...» نورآیه 30 و 31

«رسول خدا(ص): هیچ وسیله برای پاکى باندازه پاک بودن چشم و بستن آن بر روی حرام نیست. که هر که چشم خود را بر حرام بست، خدا به دلش توفیق مشاهده عظمت الهی را می دهد»

«رسول خدا(ص): هر که چشمش را از حرام پُر کند، خداوند روز قیامت چشمش را از آتش پر کند، مگر اینکه توبه کند و دیگر عمل حرام را انجام ندهد.»

«در روایت است که هر که به نامحرمی برخورد و برای رضای الهی، چشم خود را از او برگرفت

و دیگر نگاه نکرد، اگر مرد باشد
در همان ساعت، حورالعینی بازدواجش در می آورند
و اگر بر این صفت خوب مداومت کند، خداوند
شیرینی مناجاتش را به او می چشاند و ملکوت خود
را بردلش باز می کند.»

«گویند مغازه داری به زنانی که از مقابل دکانش رد
شده خیره نگاه می کرد و بر زبان لاله الا الله جاری
می کرد. یکنفر برای تذکر به او وارد مغازه اش شد
و جنسی را خواست. مغازه دارد برای آوردن جنس
مدتی در داخل مغازه بود که خانمی از مقابل
مغازه اش عبور کرد. وقتی مغازه دار جنس مشتری
را آورد، مشتری گفت: شما که مشغول آوردن جنس
من بودید، یک لاله الا الله از مقابل مغازه شما رد
شد!!»

«پیامبر(ص):سخت است غضب خدا بر زن

شوهرداری که چشمش راز حرام پر کند»

«پیامبر(ص):کسیکه به عورت دیگری نگاه

کند، ملعون است»

«پیامبر(ص):اگر از آسمان بیافتم و دونیم شوم برایم

بهتر است که به عورت کسی نگاه کنم و یا کسی به

عورت من نگاه نماید»

نتیجه:سبک زندگی اسلامی در مورد خانواده را در

موارد فوق توضیح دادیم.

چنانچه پدر و مادر و فرزندان بتوانند به وظایف

مذکور عمل کنند،حتما نمونه خواهند بود و می توانند

الگوی خانواده‌های دیگر باشند.

